

جورج سی. ادواردز و بی. دان وود*

ترجمه: سعادت طهماسبی دهکردی**

رئیس جمهور، کنگره و رسانه‌ها: چه کسی بر دیگران تأثیر می‌گذارد؟

۱۱۳

تحت نفوذ قرار دادن سیاست‌های در دستور کار (Policy Agenda) مدتهاست که یکی از مهمترین منابع قدرت سیاسی به شمار می‌آید. محققین، سالهاست معتقدند که در واشنگتن رئیس جمهور، مهمترین نقش را در سیاستگذاری در دستور کار، به عهده دارد، اما برای سنجش نفوذ رئیس جمهور، کار تجربی و منظم (Systematic) چندانی انجام نشده است. ما با آمارهای سربهای زمانی (Time - series)، به ارزیابی اقدامات رئیس جمهور، رسانه‌های گروهی و کنگره در زمینه پنج موضوع تبهکاری، آموزش، خدمات درمانی، روابط ایالات متحده - شوروی و کشمکش اعراب - اسرائیل پرداخته، میزان موفقیت رئیس جمهور را در جلب توجه کنگره و رسانه‌های گروهی به این موضوعات بررسی می‌کنیم. ما پی برده ایم که رئیس جمهور، اغلب اوقات، عمدتاً در برابر نوسانات توجه رسانه‌ها و رخداد‌های جهانی، واکنش نشان داده، به آنها پاسخ می‌دهد. همچنین دریافتیم که در سیاست داخلی، رابطه

* جورج سی. ادواردز، استاد علوم سیاسی و مدیر مرکز مطالعات ریاست جمهوری دانشگاه A&M تگزاس و بی. دان وود استاد علوم سیاسی آن دانشگاه است. تحقیق حاضر، از کمک مرکز مطالعات ریاست جمهوری پژوهشکده بوش بهره مند شده است. همچنین، مولفین از آندره بارت و جفری پیک به خاطر کمک در جمع‌آوری داده‌ها تشکر می‌کنند.
** فارغ التحصیل کارشناسی ارشد در رشته روابط بین الملل از دانشگاه تهران و دانشجوی دکترای روابط بین الملل واحد علوم و تحقیقات

Source: *American Political Science Review*, Vol. 93, No. 2, June 1999, pp. 327 - 344.

اسرائیل شناسی - امریکا شناسی

متقابله تری وجود دارد که ظاهراً به رییس جمهور فرصت می دهد تا به شیوه ای کارفرمایانه توجه اطرافیان را به ابتکارات ریاست جمهوری در سطح کلان جلب کند.

* * *

تحت تأثیر قرارداد سیاستهای در دستور کار، یعنی مجموعه موضوعاتی که موجب جلب توجه سیاستگذاران می شود، از مدتها پیش یکی از مهمترین ارکان قدرت سیاسی به شمار می آید. (اندرسن ۱۹۷۸، بوم گارتنر و جونز ۱۹۹۳، کوب والدر ۱۹۷۲، فلمینگ، وودو بوب ۱۹۹۷؛ جونز ۱۹۹۴؛ کینگدون ۱۹۹۵؛ لایت ۱۹۹۱؛ پیترز و هاگ وود ۱۹۸۵؛ واکر ۱۹۷۷) محققین سالهاست که معتقدند رییس جمهور، نقشی مهم و در واقع، مهمترین نقش را در تنظیم سیاستگذاری در دستور کار در واشنگتن به عهده دارد. (مثلاً بنگرید به هانتینگتون ۱۹۶۵؛ مووتیل ۱۹۷۰) کینگدون (۲۳، ۱۹۹۵) پس از بررسی دقیق دستور کار واشنگتن، دریافت که: «برای تنظیم دستورهای کار، هیچ بازیگر واحد دیگری، در نظام سیاسی، قابلیت برابر با رییس جمهور ندارد» بوم گارتنر و جونز (۲۴۱، ۱۹۹۳) اخیراً طی بررسی مبسوطی از تنظیم دستور کار نتیجه گرفته اند که: «هیچ بازیگر واحد دیگری مانند رییس جمهور، توان جلب توجه آشکار، یا تغییر انگیزه های تعداد قابل ملاحظه ای از بازیگران دیگر را ندارد.» بوندو فلشر (۲۳۰، ۱۹۹۰) معتقدند که: «بیشترین تأثیر رییس جمهوری بر سیاستها، ناشی از دستور کاری است که وی دنبال می کند و طریقه ای است که این دستور کار شکل می گیرد.»

حتی محققینی که در برابر پذیرش دیدگاه ریاست جمهور محوری نسبت به دولت محتاطند، به اهمیت تنظیم دستور کار برای رییس جمهور اذعان می کنند. مثلاً ادواردز (۱۹۸۹) گرچه معتقد است که نفوذ رییس جمهور بر کنگره، «حاشیه ای» است، لکن تنظیم دستور کار، قابلیت تبدیل به یکی از مهمترین قدرتهای راهبردی رییس جمهور را داراست. چارلز اُ. جونز مانند ادواردز، با بیان این که رییس جمهور در انتخاب گزینه ها به شدت ملزم بوده و با کنگره دارای دستور کار اساسی و مستمر، رویاروست، در مورد توانایی او برای

تنظیم دستور کار، ابراز تردید می‌کند. با این وجود، نتیجه می‌گیرد که رییس جمهور «تأثیری مهم» در تنظیم دستور کار دارد. (جونز ۱۸۱، ۱۹۹۴)

به رغم وجود وفاق (consensus) میان محققین در خصوص تأثیر رییس جمهور بر سیاستهای در دستور کار، کار تجربی و منظم چندانی برای سنجش این تأثیر انجام نشده است. شاخصترین اثر در این خصوص، از لایت (۱۹۹۱) است که دستور کار داخلی رییس جمهور را از دولت کندی تا دولت ریگان بررسی می‌کند. گرچه لایت، مطالعه توصیفی و کمی یکپارچه‌ای از این فرایند ارائه می‌کند، لکن به جای بررسی نقش رییس جمهور در تنظیم دستور کار عمومی کنگره، بر چگونگی تنظیم دستور کار شخصی وی متمرکز می‌شود. کاونینگتون، رایتون و کینی (۱۹۹۵) به این موضوع می‌پردازند، اما به جای بررسی میزان تأثیر رییس جمهور در قرار دادن لوایح خویش در دستور کار کنگره، علاقه مند به بررسی موفقیت رییس جمهور، هنگام رای‌گیری علنی (با مشخص شدن نام و نوع رأی نمایندگان رأی‌دهنده Roll-call votes) پیرامون موضوعات دستور کار شخصی وی هستند.

ما مسئله توانایی رییس جمهور را در تأثیر گذاری بر الگوهای توجه سایر بازیگران مهم نظام سیاسی بررسی می‌کنیم. توجه به موضوعات، سرآغاز تنظیم دستور کار و نشانه دوام موضوع، در فضای محدود دستور کار است. مخصوصاً، موفقیت رییس جمهور را در جلب توجه کنگره و رسانه‌های گروهی به موضوع، به اندازه‌ای که توسط تلویزیون نمایش داده می‌شود، بررسی می‌کنیم. با این وجود، فرض ما آن نیست که تأثیر گذاری بر تنظیم دستور کار، امری یکسویه (Unidirectional) است. واکر (۴۲۶، ۱۹۷۷) در بررسی سنای آمریکا دریافت که:

«وقتی مسئله‌ای جلب توجه می‌کند و مورد مباحثه جدی سایر سناتورها قرار می‌گیرد، اهمیت آن در رسانه‌های گروهی به اوج رسیده، حامیان علاوه بر رضایت از پیشبرد منافع عمومی، طبق تلقی خویش، پاداشهای سیاسی با اهمیتی را نیز که از رویکرد فزاینده ملی به موضوع ناشی می‌شود، دریافت می‌کنند.

به عبارت دیگر، سناتورها بر رویکرد رسانه‌ها تأثیر می‌گذارند و واکنش فزاینده‌ای که سناتورها به این طریق برمی‌انگیزند، آشکارا توانمندی طولانی‌تر کردن عنایت آنان را به یک

موضوع نشان می‌دهد.»

به علاوه، فرض نمی‌کنیم که نفوذ هر بازیگر، یا نهادی بر موضوع، ثابت و پایدار است. در عوض آن، الگوهای توجه را بر طیفی از موضوعات بررسی می‌کنیم. همچنین، فرض ما آن نیست که نفوذ بازیگر بر موضوعی خاص، به مرور زمان ثابت باقی خواهد ماند. مثلاً نفوذ بر دستور کارهای سایر نهادها می‌تواند در بین رؤسای جمهور متفاوت باشد. بنابراین، وجود طرق متنوع نفوذ بر تنظیم دستور کار، قابل پیش بینی است.

در بخش بعدی، نظریات و پژوهش‌های گذشته، در خصوص تنظیم دستور کار ریاست جمهوری با توجه به رسانه‌ها و کنگره مرور می‌شود. به دلیل ابهام نوشتارها درباره تأثیرگذاران اصلی در تنظیم دستور کار، بردار خود همبستگی (Vector autoregression) مناسبترین ابزار مطالعه این روابط است. (فریمن، ویلیامز و لین ۱۹۸۹). برای بررسی الگوهای توجه به موضوع، در پنج مسئله سیاست داخلی و خارجی از ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۴ شامل: روابط ایالات متحده-شوروی و اعراب-اسرائیل، تبهکاری، آموزش و خدمات درمانی از بردار خودهمبستگی (اتورگرسیون) بهره‌برداری می‌کنیم. ما دریافتیم که رئیس جمهور اغلب اوقات واکنش نشان داده و عمدتاً به نوسانات توجه رسانه‌ها و به رخدادها (در مورد سیاست خارجی) پاسخ می‌دهد. با این وجود، پی بردیم که در سیاست داخلی، رابطه متقابلانه تری وجود دارد که فرصت اقدام به شیوه‌ای کارفرمایانه را به رئیس جمهور اعطا می‌کند تا توجه افراد دیگر نظام را به ابتکارات ریاست جمهوری در سطح کلان معطوف نماید.

تنظیم دستور کار ریاست جمهوری

اطلاع زیادی از این که در واشنگتن چه کسی در زمینه تنظیم دستور کار بر دیگران تأثیر می‌گذارد نداریم و نظریه‌ای نیز برای هدایت تحقیق ما وجود ندارد، لکن دلایلی برای این باور که تأثیرگذاری روی می‌دهد، وجود دارد.

رییس جمهور

کاخ سفید، نیرو و زمان زیادی را برای جهت دادن به توجه رسانه‌ها صرف می‌کند (بنگرید به ادواردز و وین ۱۹۹۹، فصل ۵). این تلاش، ارایه اطلاعات و روشن کردن اذهان از طریق مطبوعات، اعلامیه‌های مطبوعاتی، مصاحبه‌ها و برگزاری کنفرانسهای مطبوعاتی با شرکت مقامات بلند پایه، از جمله رییس جمهور را دربر می‌گیرد. همچنین، کاخ سفید برای هماهنگ کردن اخبار منتشره از بخشهای مختلف قوه مجریه، کوشش می‌کند. گرچه توضیحات مبسوطی در خصوص این تلاشها وجود دارد (گراسمن و کومار ۱۹۸۱، مالتس ۱۹۹۲، روزل ۱۹۹۲ و ۱۹۹۶)، لکن درباره میزان موفقیت آنان در تأثیرگذاری بر رسانه‌ها چیزی نمی‌دانیم.

۱۱۷

بررسی نفوذ ریاست جمهوری بر دستور کار رسانه‌ها، به پیام آغاز سال نو (State of the Union) وی بازمی‌گردد. گیلبرگ و همکارانش (۱۹۸۰) دریافتند که رییس جمهور متعاقب سخنرانی سال ۱۹۷۸، در طی ماه، قادر به تأثیرگذاری بر گزارشهای رسانه‌ها نبوده است. حدود یک دهه بعد، واتنا و همکارانش (۱۹۸۹)، پس از بازنگری چهار بررسی، به نتایج ضدو نقیضی رسیدند. رییس جمهور در دو مورد بر دستور کار رسانه‌ها تأثیر گذاشته بود، اما در دو مورد دیگر، چنین نبود. حتی دو تحقیق، پیرامون یک رییس جمهور، یعنی رونالد ریگان، نتایج متفاوتی به دست داد. کوهن (۱۹۹۵) با وجود معطوف نکردن توجه خود بر رسانه‌ها، پی برد که رییس جمهور از طریق پیامهای آغازین سال نو، قادر به تأثیرگذاری بر دستور کار عمومی بوده است.

یکی از جهات مهم نقش رییس جمهوری در وضع قانون را می‌توان تأثیرگذاری بر دستور کار کنگره دانست. اگر رییس جمهور قادر به معطوف کردن توجه کنگره به برنامه‌های اولویت دار خویش نبود، چنین برنامه‌هایی در فرایند پیچیده و پر از دحام قانونگذاری مفقود می‌شد. همچنین به دلیل آن که رییس جمهور و کارمندان در زمان واحد، تنها توان اعمال نفوذ مؤثر بر بعضی لوایح را دارند، جلب توجه کنگره، حایز اهمیت است. به علاوه، سرمایه سیاسی رییس جمهور به طرز اجتناب ناپذیری محدود است. بنابراین، در صرف آن برای

موضوعاتی که از نظر او اهمیت بیشتری دارد، دقت زیادتری مبذول می‌کند. به این جهت، روسای جمهور برای تنظیم دستور کار کنگره به سختی تلاش می‌کنند. در مشاهدات نیوستادت، عوامل موفقیت رییس جمهور، (۸، ۱۹۹۱) ثبت شده است: «اعضای کنگره، نیازمند دستور کاری از خارجند؛ دستاویزی با وجهه‌ای مهم برای واکنش، یا عکس‌العمل علیه آن. چه چیزی بهتر از برنامه رییس جمهور آن را مهیا می‌کند؟» کینگدون (۲۳، ۱۹۹۵) می‌افزاید که: «رییس جمهور می‌تواند به تنهایی علاوه بر دستور کار کارکنان قوه مجریه، دستور کار اعضای کنگره و عوامل خارج از دولت را نیز تنظیم کند.»

با این همه، در مقابل قدرت کاخ سفید برای جلب توجه کنگره، موانعی اساسی وجود دارد. همچنان که جونز (۱۹۹۴، فصل ۵) خاطر نشان می‌کند، روسای جمهور باید بر دستور کار دقیق و مبسوطی که توسط اسلاف آنان تنظیم شده است، غلبه کنند. به علاوه تمامی دولت‌ها باید در برابر مشکلات غیرمنتظره یا صرفاً نادیده گرفته شده‌ای که همزمان بر اولویتهای کنگره و همچنین رییس جمهور تأثیر می‌گذارد، پاسخگو باشند. همچنین، مجموعه پیچیده فعالیت‌های عمومی رییس جمهور، ناگزیر اولویتهای دستور کار وی را آشفته خواهد کرد. درخواست‌های متعدد از رییس جمهور برای سخنرانی و حضور در جلسات - به ویژه در صورتی که او برای مدتی طولانی زمام امور را در اختیار داشته باشد - تنظیم برنامه زمانی بلند مدتی را که بر مبنای مهمترین اهداف وی باشد، ناممکن می‌کند. کنگره نیز توانایی تنظیم دستور کار خویش را داراست. مردم از کنگره انتظار در دست گرفتن ابتکار عمل را دارند و اعضای کنگره هم از انگیزه‌های انتخاباتی نیرومندی برای پاسخگویی به این انتظار برخوردارند. اغلب قانونگذارهای کلان در دهه ۸۰، حاصل ابتکارات کنگره بوده است.

رسانه‌ها

بدیهی است که رییس جمهور، تنها تنظیم‌کننده بالقوه دستور کار در واشنگتن محسوب نمی‌شود. توجه محققین در سالهای اخیر به میزان تأثیر گذاری رسانه‌ها معطوف شده است. ظاهراً از پژوهش در خصوص تأثیر رسانه‌ها بر توجه سیاستگذاران، نتایج متناقضی حاصل

آمده است. راجرز و دیرینگ (۱۹۹۴، ۹۱) پس از مرور این آثار، اظهار می کنند که: «به نظر می رسد دستور کار رسانه ها تأثیر مستقیم و گاه نیرومند بر دستور کار نخبگان تصمیم گیرنده داشته است.»، اما به نظر کینگدون (۱۹۹۵، ۵۸-۵۹) «می توان نمونه هایی از اهمیت رسانه ها را یافت... لکن چنین مثالهایی نسبتاً نادرند... رسانه ها به جای اعمال تأثیر مستقل بر دستور کارهای دولت، به طور کلی جریان امور دولت را گزارش می کنند.» لایت (۱۹۹۱، ۸۶) نیز به همین نحو دریافت که رسانه ها از میان هشت منبعی که وی بررسی کرده بود، کم اهمیت ترین تأثیر را بر طرحهای دستور کار داخلی داشته اند. وی نتیجه می گیرد که: «از نظر کارکنان کاخ سفید، رسانه ها منبع طرحهای جدید نیستند و در بهترین حالت، یک پل به محیط سیاسی محسوب می شوند.»

با این وجود، رسانه ها می توانند به صورت غیرمستقیم بر توجه سیاستگذاران تأثیر بگذارند. آشنایی عموم با موضوعات سیاسی، با میزان و مدت توجه رسانه های گروهی به چنین اموری، رابطه ای تنگاتنگ دارد. (پیچ و شاپیرو ۳-۱۲، ۱۹۹۲) همچنین رسانه ها، در اهمیت بخشیدن به موضوعات مطرح برای عموم مردم، نقش ویژه ای ایفا می کنند. (کوک، تیلر و همکاران ۱۹۸۳؛ دیرینگ و راجرز ۱۹۹۶؛ گونزنباخ ۱۹۹۶؛ اینگار، پیترز و کیندر ۵۸-۸۴۸، ۱۹۸۲؛ مک کوئن و کومبز ۱۹۸۱، فصول ۳-۴؛ مک کومبز و استرادا ۱۹۹۸؛ مک کویز و شاو ۱۹۹۳؛ پروتس و مک کومبز ۱۹۹۱؛ وینتر و ایال ۱۹۸۱) به علاوه میزان پوشش موضوعات توسط رسانه ها، به اهمیت این مسایل در ارزیابی عمومی از چهره های سیاسی می افزاید. به نظر اینگار (۲، ۱۹۹۱)، «مسایل و موضوعاتی که در پوشش اخبار تلویزیونی تکرار می شوند، به اولویتهای بینندگان بدل می گردند. موضوعات و رخدادهایی که به وسیله اخبار تلویزیونی، برجستگی می یابند- به ویژه برای ارزیابی مقامات دولتی- معیاری مؤثرند.»

اخبار شبکه ها، برای مراجعه به موضوعات، چارچوبی را فراهم می کند که بر ارزیابیهای رییس جمهور تأثیر می گذارد. برودی (۱۹۹۱) معتقد است، میزان محبوبیت رییس جمهوری به شدت تحت تأثیر افکار نخبگانی است که موجب رویکرد مردم به رسانه های گروهی

می شوند. همزمان با آغاز پوشش واقعه ایران - کنترت توسط رسانه ها، به دلیل اعمال معیارهای جدید ارزیابی از جانب توده مردم، محبوبیت عمومی ریگان به سرعت سقوط کرد. (اینگار ۱۹۹۱ فصل ۸؛ کروسنیک و کیندر ۱۹۹۰) کروسنیک و بارنون (۱۹۹۳) دریافتند پس از آغاز جنگ خلیج (فارس)، نقش برآوردها در خصوص عملکرد اقتصادی بوش در ارزیابی کلی از وی، کاهش نسبتاً زیادی یافت. آنها به این نتیجه رسیدند که تأثیر عمده رسانه ها موجب تغییر توجه به عملکرد وی براساس معیارهای مرتبط با جنگ شد. بررسیهای تجربی، حاکی از آن بود که اعتبار کلی کارتر و تاحد کمتری دیدگاهها نسبت به کفایت ظاهری وی، تحت تأثیر اخبار شبکه ها قرار داشت. به نظر می رسد معیارهای مورد استفاده مردم در ارزیابی رییس جمهوری، یعنی آنچه را که آنان در عملکرد شغلی وی مهم تلقی می کردند، تحت تأثیر اخبار تلویزیون قرار گرفته بود. (اینگار، پیترز و کیندر ۱۹۸۲؛ همچنین بنگرید به بارتلز (۱۹۹۳)

اگر گزارشهای تلویزیونی بتواند بر تعیین اهمیت موضوعات و گرایشهای عمومی و شیوه پی گیری آنها اثر بگذارد، سیاستگذاران، بویژه اشخاص سرشناسی نظیر رییس جمهور و اعضای کنگره، برای قراردادن چنین موضوعاتی در دستور کار خویش، انگیزه شدیدی پیدا می کنند. لینسکی (۸۷، ۱۹۸۶) طی تحلیلی پیرامون بررسی مقامات دولتی اسبق و مصاحبه با سیاستگذاران فدرال به این نتیجه می رسد که: «مطبوعات، دارای تأثیری عظیم و مشخص هستند... مقامات معتقدند که رسانه ها برای تنظیم سیاستهای در دستور کار و تأثیر بر چگونگی درک یک موضوع توسط سیاستگذاران، گروههای ذینفع و عموم مردم، تلاش بسیار می کنند.»

رسانه ها، مخصوصاً تلویزیون، قادر به محدود کردن گزینه های سیاسی رییس جمهورند. بیکر (۱۰۳، ۱۹۹۵) و پاول (۵۰۷، ۵۷۳، ۴۱۸، ۱۹۹۵) هر دو طی نوشتارهای خویش درباره موضوعاتی نظیر مداخله ایالات متحده در سومالی و بوسنی و خاتمه ناگهانی جنگ خلیج فارس معتقدند که گزارشهای رسانه ها، ضروریات تازه ای را برای اقدام سریع ایجاد می کند که موجب دشواری کار رییس جمهور در گزینش مسایل مهم جهانی

می شود. کلینتون با ناراضیتی می گوید که گزارشهای تلویزیونی در مورد بوسنی، می کوشید
مرا مجبور کند تا آمریکا را درگیر جنگ کنم.» (موریس ۲۴۵، ۱۹۹۷)

درباره تأثیر رسانه ها بر جهت گیری سیاسی مقامات دولتی، بجز روایات موجود،
(Anecdotal) مطلب دیگری نمی دانیم. علاوه بر مطالعات متناقضی که در بالا گفته شد،
دیگران نیز یافته های ضدونقیضی را ارائه می کنند. گیلبرگ و همکاران او (۱۹۸۰) نتیجه
می گیرند که رسانه ها دستور کار رییس جمهور را تنظیم می کنند و عکس قضیه صادق نیست.
وانتا و دیگران (۱۹۸۹)، دلایلی در اثبات این امر می یابند، لکن شواهدی دال بر این که گاهی
اوقات رییس جمهور دستور کار رسانه ها را تنظیم می کند نیز ارائه می نمایند.
وودویک (۱۹۹۸) با ارائه یافته هایی شگفت آور به این نتیجه می رسد که حتی در سیاست
خارجی، به جای طرق دیگر، رسانه ها بر دستور کار رییس جمهور تأثیر می گذارند. مسلماً تأثیر
رسانه ها بر دستور کار دولت، درخور مطالعه بیشتری است.

۱۲۱

کنگره

بی تردید، کنگره یک تنظیم کننده مهم دستور کار و چه بسا تعیین کننده محوری در
نظام سیاسی ایالات متحده است. بوم گارتنر و جونز (۱۹۹۳) بر اهمیت کنگره در تعیین و
تغییر دستور کار ملی تأکید می کنند. کینگدون (۴۲-۳۴، ۱۹۹۵) کنگره را پس از دولت،
دومین تعیین کننده دستور کار واشنگتن تلقی می کند. فلمینگ، وودوبوت (۱۹۹۷) کنگره را
تعیین کننده اصلی دستور کار در سیاست زیست محیطی می دانند.

همچنان که قبلاً گفته شد، پیرامون تأثیر کنگره در تنظیم دستور کار خویش تردید
زیادی وجود ندارد. با این وجود، مسئله مورد توجه ما میزان توانایی کنگره برای نفوذ بر
اولویتهای رییس جمهور و رسانه هاست. گرچه کینگدون معتقد است اعضای کنگره می توانند
از قرار گرفتن پیشنهادها در دستور کار قانونگذاری، ممانعت به عمل آورند،
ولی نشانه ای از توان تأثیر گذاری بر دستور کار رییس جمهور یا رسانه ها را ارائه نمی نماید. با
آن که می توان فعالیت های کنگره، به ویژه برگزاری جلسات استماع (hearings) را در

گزارشهای رسانه‌ها پیرامون عرصه‌های سیاست و یا تشویق رییس جمهور به واکنش-با مواضع سیاسی خاص خویش- مؤثر دانست، لکن شواهد منظمی مبنی بر تأیید چنین استنباطی وجود ندارد.

داده‌ها و روشها

توانایی رییس جمهور برای هدایت الگوهای توجه سایرین، در کانون مطالعات ما قرار دارد. آیا توجه ریاست جمهوری، رسانه‌ها و کنگره، به مسایل سیاست داخلی و خارجی، اقداماتی تصادفی و مستقل از یکدیگرند، یا نوعی الگوی منظم، در آنها وجود دارد؟ آیا عملکرد رییس جمهور توجه رسانه‌ها، کنگره و سایر اجزای نظام را به موضوعات ویژه سیاست داخلی و خارجی معطوف می‌کند؟ یا این که رییس جمهور به مرور در برابر رویکرد متغیر رسانه‌ها، کنگره و سیستم نسبت به موضوعات مشابه، واکنش نشان می‌دهد؟ آیا رابطه بین رییس جمهور و سایر بازیگران، دو جانبه و متقابل است؛ یعنی وی علاوه بر هدایت توجه رسانه‌ها، کنگره و سیستم، نسبت به آنان واکنش نشان می‌دهد؟ آیا رابطه بین رییس جمهور و سایر بازیگران بر حسب نوع موضوعات به نحو چشمگیری متفاوت است؟ سؤالات فوق، برای درک فرایندهای سیاستگذاری و همچنین عملکرد رییس جمهور به عنوان یک نهاد، سکوی پرش مهمی به شمار می‌آید. با ارزیابی سلسله اقدامات ریاست جمهوری و توجه رسانه‌ها و کنگره به پنج موضوع که طی دهه گذشته در سیاست آمریکا با اهمیت بوده‌اند، شامل: تبهکاری، خدمات درمانی، آموزش، روابط ایالات متحده- شوروی و کشمکش اعراب و اسرائیل به بررسی سؤالات فوق می‌پردازیم.^۱

سنجش دستورهای کار

سنجش سیاستهای داخلی و خارجی، به منظور ثبت پویای زمانی مناسب همراه با پاسخگویی رییس جمهور، رسانه‌ها و کنگره براساس آمارهای سریهای زمانی هفتگی تفکیک شده‌اند. این امر، همچنین به دلیل افزایش حجم نمونه‌ها، میزان اطمینان به یافته‌ها را

افزایش می دهد. به علاوه، داده‌ها پیرامون بروز رخداد‌های جهانی در روابط ایالات متحده-شوروی و کشمکش اعراب-اسرائیل جمع‌آوری شده است تا کنترل بر موضوعات سیاست خارجی دو چندان شود.

سنجش میزان توجه ریاست جمهوری به پنج موضوع مورد نظر، وجود موانع متعددی را نشان می دهد. چه بسا چهره عمومی رییس جمهور، بازتاب واقعی آنچه در پشت صحنه روی می دهد، نباشد. بنابراین عملکرد و گفتار علنی رییس جمهور را در طول هفته به عنوان دستور کار رییس جمهور تعریف می کنیم. با این وجود، چنین سنجشی، چیزی بیش از مقدار پیش بینی را ارایه می کند. به احتمال زیاد رسانه‌ها و کنگره نسبت به دستور کار عمومی رییس جمهور واکنش نشان می دهند، زیرا به آن دسترسی بیشتری داشته، قابلیت تأثیرگذاری بر دستور کارهای آنان را داراست. این شرایط، به ویژه طی دوره دولت تقسیم شده که مشخصه سالهای بعد از جنگ جهانی دوم است، وجود داشت، زیرا کاخ سفید معمولاً سیاستهای محرمانه در دستور کار بلند مدت خویش را در اختیار حزب مخالف (اپوزیسیون) قرار نمی داد.

کوهن (۱۹۹۵) با بررسی پیامهای آغاز سال نو، توجه رییس جمهوری را نسبت به موضوعات سیاست داخلی ارزیابی کرده است. سخنرانیهای آغاز سال نو به دلیل تغییرات ناشی از بروز رخدادها، یا تغییر شرایط در طی سال، تصویری ناقص از موضوعات مورد توجه ارایه می نمایند. همچنین روشن نیست که با تأکید نسبی بر موضوع، در طی سخنرانی فوق، تصویر دقیقی از اولویتهای ریاست جمهوری در زمینه‌های سیاست داخلی و خارجی ارایه شود. رؤسای جمهوری، اولویتهای خویش را از طریق بروندهای دیگری، شامل پیشنهادها، قانونی، انتشار اخبار، موضعگیری، روشن کردن اذهان عمومی (Briefing)، سخنرانیها، کنفرانسهای مطبوعاتی و نامه نگاری آشکار می کنند.

برای ثبت توجه ریاست جمهوری که از طریق بروندهای مختلف فوق بروز یافته است از مجموعه فعالیتهای سالیانه وی تحت عنوان مدارک عمومی رییس جمهور بهره برداری شده است. از واژه‌های اصلی (فهرست شده در ضمیمه) در راهنمای موضوعی هر مجلد

استفاده کرده ایم و متن نیز برای یافتن فعالیتهای مرتبط جستجو شده است. به ویژه، تعداد بندهایی که در طول سال به طور هفتگی به یکی از پنج موضوع مربوطه اختصاص یافته اند، شمارش شده است. همچنین، ابتدای بندها قرائت شده است تا از مرتبط بودن واژه اصلی و مفهوم مورد بررسی، اطمینان حاصل شود. به دلیل ضرورت کنترل رخدادهای سیاست خارجی (مبحث ذیل) و گنجاندن تمامی پنج موضوع در یک ظرف زمانی مشترک، اندازه گیریها به دوره ای از بیست و هفتمین هفته سال ۱۹۸۴ تا بیست و سومین هفته سال ۱۹۹۴ محدود شده است.

نمودار شماره یک، منحنیهای توجه ریاست جمهوری را به هر یک از حوزه های موضوعی پنج گانه نشان می دهد. برای آرایه مفهومی از نسبت توجه رییس جمهور به موضوعات پنج گانه و همچنین پویسهای زمانی مربوطه آنها، نمودارها به صورت مشترک درجه بندی شده اند. رییس جمهور در سرتاسر این دوره، نسبت به چهار موضوع دیگر، به روابط ایالات متحده-شوروی توجه بیشتری کرده است.

توجه ریاست جمهوری به تبهکاری و آموزش، کلاً از توجه وی به خدمات درمانی و کشمکش اعراب-اسرائیل بیشتر بوده است. با این وجود، میزان توجه به تبهکاری و آموزش نیز ضمن افزایش بعد از سال ۱۹۸۹، طی دوره زمامداری بوش و مجدداً در طول مبارزات انتخاباتی سال ۱۹۹۲ و پس از آن تغییر کرده است. علاوه بر آن، میزان توجه ریاست جمهوری به خدمات درمانی، طی فصل انتخاباتی سال ۱۹۹۲، افزایش یافته، در اولین دوره از سالهای زمامداری کلینتون در سطوح بالاتری استمرار پیدا کرد. این امر، به معنای آن است که توجه ریاست جمهوری به موضوعات داخلی می تواند از انتخابات و با اولویتهای وی ناشی شود. با وجود جالب بودن این الگوها، باید تا هنگام بررسی شواهد آماری از نتیجه گیری خودداری کنیم.

توجه رسانه ها بر مبنای مدت زمان پخش اخبار تلویزیونی در مورد موضوعات پنج گانه، اندازه گیری شده است. به جای شمارش تعداد گزارشها که در برخی پژوهشهای گذشته انجام شده است، (نظیر بوم گارتر و جونز ۱۹۹۳؛ فلمینگ، بوت و وود ۱۹۹۷؛ فلمینگ، وودوبوت

۱۹۹۵) به شمارش دقیق اختصاص داده شده به موضوعات در سه شبکه اخبار شبانه پرداخته ایم. مخصوصاً با استفاده از واژه‌های اصلی (فهرست شده در ضمیمه)، خلاصه‌های اخبار تلویزیون واندر بیلت (Vanderbilt Television News Abstracts) جستجو شده است تا گزارشهای مربوط به موضوعات پنج‌گانه ثبت شوند. اعتبار هر نمونه را بر مبنای پرداختن آن به جنبه‌ای از موضوع یا دارا بودن تأثیری سرسام‌آور بررسی کرده ایم.

با آن که بخشهای خبری شبانه، تنها منابع خبری نیستند که از قابلیت تأثیر گذاری بر رییس جمهور و کنگره و یا تأثیر پذیری از سوی آنان برخوردارند، لکن از نظر تعداد بینندگان، مهمترین منابع به شمار رفته، علاوه بر ارایه نمونه‌ای هماهنگ، از لحاظ دامنه پوشش، طی دوران مورد بررسی نیز استمرار و مداومت دارند. هر شبکه، طی برنامه‌ای نیم‌ساعته هر شب حدود ۲۲ دقیقه صرف پخش اخبار می‌کند. مدت زمان پوشش خبری هفتگی عادی، تقریباً در مجموع به ۱۵۰ دقیقه یا با احتساب سه شبکه، به ۴۵۰ دقیقه می‌رسد.

نمودارهای شماره ۲، برحسب آمارهای سریهای زمانی پوشش خبری رسانه‌ها در زمینه تبهکاری، خدمات درمانی، آموزش، روابط ایالات متحده-شوروی و کشمکش اعراب-اسرائیل را ترسیم می‌کنند. با مقایسه نمودارها می‌توان دریافت که رسانه‌ها به دو موضوع سیاست خارجی بیش از سه موضوع سیاست داخلی توجه نشان داده‌اند. ظاهراً در سرتاسر این دوره، شبکه‌های تلویزیونی، سیاست خارجی را جالبتر یا مهمتر از سیاست داخلی ارزیابی کرده‌اند.

همچنین، میزان پوشش دو موضوع سیاست خارجی، تغییرات نسبتاً چشمگیرتری را نشان می‌دهد که مؤید نیاز به مهار رخدادهای سیاست خارجی است. میانگین توجه رسانه‌ها به کشمکش اعراب-اسرائیل، اندکی بیش از حد متوسط توجه رسانه‌ها به روابط ایالات متحده-شوروی بوده است. همچنین، میزان متوسط توجه رسانه‌ها به تبهکاری، بیش از توجه آنان به خدمات درمانی و آموزش است. این مجموعه‌های پنج‌گانه، الگوهای زمانی مشخصی از رهبری ریاست جمهوری را نشان نمی‌دهند، لکن باید قبل از نتیجه‌گیری، در انتظار شواهد آماری باشیم.

توجه کنگره به موضوعات پنج‌گانه را براساس تعداد روزهایی که طبق شاخص خدمات

اطلاعاتی کنگره (Congressional Information Service Index)، صرف برگزاری جلسات استماع شده است، سنجیده ایم. برای تشخیص زمان برگزاری جلسات استماع، باردیگر واژه‌های اصلی (فهرست شده در ضمیمه) جستجو شده اند و پس از غربال دقیق جلسات، تنها تعداد روزهایی شمارش شده است که واقعاً به عناوین مربوط به اقلام دستور کار پرداخته اند؛ جلساتی که متضمن تخصیص اعتبارات، معرفی نامزدها یا اعطای مجدد اختیارات بوده اند، مستثنی شده است. به طوری که از نامتعادل شدن نمونه اندازه گیری، با احتساب موضوعات کم و بیش عادی، احتراز شده است. این امر، موجب افزایش غیر اصولی میزان توجه کنگره به حوزه‌های موضوعی می‌شد. (واکر، ۱۹۷۷) برآورد میزان توجه کنگره، براساس تعداد کل جلساتی است که کنگره در طول یک هفته به موضوعات تبهکاری، خدمات درمانی، آموزش، روابط ایالات متحده-شوروی و کشمکش اعراب-اسرائیل اختصاص داده است.

با به کارگیری جلسات استماع کنگره، به عنوان بهترین روش سنجش میزان توجه کنگره، از بوم گارتتر و جونز پیروی کرده ایم، زیرا مهمترین مسئله مورد علاقه ما، بیان چارچوبهای مؤثر در جلب توجه رییس جمهور، کنگره و رسانه‌ها نسبت به موضوعات متفاوت است. بدین وسیله، قابلیت مقایسه دستور کار رییس جمهور و رسانه‌ها فراهم می‌شود. جلسات استماع، عادی ترین منبع گزارشهای رسانه‌ای و محتملترین کانون واکنش نهادی به پوشش رسانه‌ها از موضوعات محسوب می‌شوند. این جلسات، شاخصه‌ای عالی از آنچه کنگره جدی تلقی می‌کند، هستند. (ادواردز، بارت و پیک ۱۹۹۷) بنابراین، طریقه‌ای مؤثر برای جلب توجه دولت به حساب می‌آیند. همچنین، جلسات استماع، واکنش کنگره را به تلاشهای کاخ سفید در راه سرعت بخشیدن به مباحثات پیرامون موضوعات مطروحه اعمال می‌کنند مانند اقدام کلینتون در سال ۱۹۹۸، به منظور معطوف کردن توجه برای انجام اقدام مثبت و سرمایه گذاری در زمینه تأمین اجتماعی.

همچنین می‌توان گفت در پی دانستن آنیم که آیا رییس جمهور علاوه بر معطوف ساختن توجه کنگره به موضوعات مختلف، در یافتن جایگاهی برای پیشنهادهای قانونی خویش در دستور کار موفق بوده است. با توجه به تداخل مشخص و وسیع موجود، جلسات استماع،

آشکارا هر دو مورد مذکور را در برمی گیرد. به علاوه ادواردز و بارت (۱۹۹۸) دریافتند که رییس جمهور تقریباً همواره توانایی ترتیب دادن جلسات استماع را برای بررسی پیشنهادهای عمده خویش داراست. فقط اندکی جابه جایی در زمان این جلسات وجود دارد. کانون توجه ما در این جا میزان توجه کنگره به موضوعات است و جلسات استماع، به خوبی این مفهوم را می سنجد.

نمودار شماره ۳، توجه کنگره را به حوزه های موضوعی پنج گانه نشان می دهد. مشهود است که کنگره اساساً به سیاست داخلی، بیش از سیاست خارجی توجه کرده است. توجه کنگره به خدمات درمانی تا حدی بیش از توجه به تبهکاری و آموزش بوده است. همچنین به روابط ایالات متحده-شوروی، بسیار بیش از کشمکش اعراب-اسرائیل توجه شده است. به علاوه، الگوهای زمانی در این نمودارها در وهله اول نشانگر رابطه جالبی میان توجه ریاست جمهوری، رسانه ها و کنگره نیست، لکن باید پیش از نتیجه گیری، درانتظار تجزیه و تحلیل آماری باشیم. زیرا بررسی رخدادهای جهانی، در ثبت میزان توجه رسانه ها و ریاست جمهوری حایز اهمیت است. (وودو پایک، ۱۹۹۸) بنابراین، در تحلیل روابط ایالات متحده-شوروی و کشمکش اعراب-اسرائیل ملحوظ کردن سنجش رخدادهای مهم ارزیابی می شود. این ارزیابی با استفاده از مجموعه داده های «پاندا» (PANDA) صورت می گیرد که توسط برنامه تحریمهای مسالمت آمیز و بقای فرهنگی در دانشگاه هاروارد (Program on Nonviolet Sanctions and Cultural Survival) در نمودار شماره ۴ ترسیم شده است. (بوند و بوند، ۱۹۹۵) پاندا برای کدگذاری رخدادهای ناپیوسته برگرفته از اخبار رویتز، یک برنامه هوش مصنوعی به نام (KEDS) را به کار می گیرد.^۲

پاندا اقدامات ناپیوسته به وسیله کشور هدف در قبال کشور منبع، یا اقدامات پراکنده ای نظیر جنگ داخلی یا نقض حقوق بشر را گزارش می کند. با استفاده از واژه های اصلی (فهرست شده در ضمیمه) مربوط به موضوعات پنج گانه، رخدادهای مربوط به موضوع، از کل مجموعه داده ها جدا شده اند. کد گذاری متغیرهای مجازی (Dummy) امکان پذیر بوده است، لکن با استفاده از شمارش هفتگی، قابلیت بازتاب نسبی جدیت و همچنین وجود

وضعیت‌های رو به رشد، به اندازه‌گیریها داده شده است. بنابراین، رخدادها، برحسب هفته شمارش شده‌اند، تا سنجشی هماهنگ از رویدادها انجام شود که با دو مجموعه دیگر برابری نماید.

معیار پاندا از میزان اخبار تلویزیونی که در بالا بحث شد، کاملاً مستقل نیست، زیرا رسانه‌های ملی برخی از رویدادهای مشابه را مانند رسانه‌های بین‌المللی گزارش می‌کنند. با این وجود، رئیس اخبار رويتر بسیار جامع‌تر است، زیرا به جای بصری بودن، مکتوب بوده، بیش از دقایقی چند که رسانه‌های ملی به رویدادهای جهان می‌پردازند، فضایی را به این امور اختصاص می‌دهد. همچنین، جهت توجه رويتر به جای ملی یا داخلی بودن، بین‌المللی است. به علاوه، اخبار شبکه‌ها و رییس جمهور، هر دو برای نظارت بر رخدادهای جهانی، از رويتر بهره‌برداری می‌کنند، بنابراین، خبرگزاری مذکور، تقریباً در وهله اول مدرکی از نوعی تأثیرگذاری متقابل رسانه‌ها و ریاست جمهوری است. سؤال این است که آیا مستقل از رویدادهای جهانی، تأثیرگذاری متقابل میان رییس جمهور، رسانه‌ها و کنگره وجود دارد.^۳

روشها

همراه با آزمونهای موجود برای سنجش میزان توجه ریاست جمهوری، رسانه‌ها و کنگره به مسایل سیاست داخلی و خارجی، روشهای بردار خود همبستگی (فریمن، ویلیامزولین ۱۹۸۹؛ سیمز ۱۹۸۰) برای ارزیابی علت سمت‌گیری توجه و ارایه شواهدی از پویسهای موقتی همراه با نظام سیاستگذاری مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بردار خود همبستگی مناسبترین روش برای موقعیتهایی محسوب می‌شود که نظریه‌های موجود، دلیل منطقی ضعیفی برای تحمیل محدودیتهایی بر متغیرهای نظام معادله ساختاری فراهم می‌کند.

همچنان که در مبحث نظری گفته شد، در این که محدودیتهایی بر متغیرها اعمال می‌شود، مطمئن نیستیم، لکن بدون آنها نظام معادله ساختاری قابل شناخت نیست. بنابراین، معادله‌های ساختاری نامناسبند. این امر، به معنای موجود نبودن نظریه در رویکرد مورد استفاده ما نمی‌باشد. در واقع، الگوی معرفی شده از بردار خود همبستگی از تمامی

جهت دارای دلایلی نظری است. ما از داده‌ها (با توجه به ابهام نظریه در زمینه سمت گیری علی) صرفاً نشان دادن محدودیتهای مناسب را - در صورت وجود چنین محدودیتهایی - برای متغیرها انتظار داریم.

یکی دیگر از مزایای مهم الگوسازی بر مبنای بردار خود همبستگی، نسبت به رویکرد معادله ساختاری آن است که با گنجاندن تأخیرهای (Lags) متعدد از هر متغیر در تمامی معادلات، نظارت شدیدی بر پیشینه امر اعمال می‌شود. این امر، به معنای آن است که به دلیل تصادفی بودن پراکندگی بردار خود همبستگی از لحاظ زمانی، مسئله تعیین میزان اشتباه موجب نگرانی نیست. یکی از طرق نگرش به الگوسازی بر مبنای بردار خود همبستگی، تعبیر چند متغیره از رویکرد گرانجر (۱۹۶۹) در خصوص استنباط علی است. هر متغیر وابسته، بر مبنای ارزشهای تأخیردار (Lagged values) خویش و همچنین ارزشهای تأخیردار سایر متغیرهای وابسته در نظام تنزل می‌یابد.^۴

روابط علی با تنظیم آزمونهای مشترک برای قالبهای تأخیری و متغیرهای آن ارزیابی شده‌اند. بازبینی پیشینه، دور نمایی از میزان تأثیر موضوع بر رییس جمهور، رسانه‌ها و کنگره را ارائه می‌کند که این امر، به لحاظ نظری برای ما جالب توجه است. یک قالب مهم از ضریبهای متغیر وابسته در هر معادله بر ایستایی موضوع دلالت دارد.

به دلیل تأخیرهای متعدد گنجانده شده برای هر متغیر در نظام، معمولاً روشهای بردار خود همبستگی، همخطی (Colinearity) بالایی را نشان می‌دهند. به این دلیل و به علت ماهیت خود نزولی الگوهای بردار خود همبستگی، غالباً تفسیر ضریبهای نزول به دلیل بی‌نظمی و پیچیدگی، دشوار است. به جای آن تحلیلگران معمولاً بر تحلیل علی گرانجر (۱۹۶۹) و واکنشهای میانگین متحرک (Moving average) شبیه سازی شده تکیه می‌کنند که نمایی همساز از پویاییهای نظام را ارائه می‌کند. واکنشهای میانگین متحرک، متضمن وارد کردن تکانه‌ای بر یک متغیر در نظام و ردیابی واکنشها در سایر متغیرها با استفاده از برآوردهای بردار خود همبستگی برای محاسبه پیش بینی است. پیرامون واکنشهای میانگین متحرک، اطمینانی در حدود ۹۵ درصد (Confidence intervals) را گزارش می‌کنیم.^۵

سیمز در تفسیر رانکل (۱۹۸۷) اعتقاد دارد که چنین حدود اطمینانی، تنها دارای یک توجیه مجانبی (Asymptotic) است، اما اگر یک حد همواره صفر باشد، باید همچنان نگران عدم وجود رابطه باشیم. هنگام مشخص بودن سمت گیری علی، ترتیب متغیرها در همانند سازی براساس آزمونهای گرانجر و پیش بینی تجزیه واریانس خطاست؛ به عبارت دیگر، تمامی ترتیبات، (Orderings) مورد توجه قرار گرفته اند.^۶ از آنجا که ممکن است نوآوریها، بین متغیرها همبستگی ایجاد کرده باشند، واکنشهای عمودی (Orthogonalized Responses) چولسکی نسبت به انحراف معیار واحد ناشی از تکانها را ترسیم کرده ایم.^۷

چگونگی ارتباط تعداد بندهای مدارک عمومی، دقایق پوشش اخبار تلویزیونی و روزهای استماع کنگره با یکدیگر از لحاظ میزان ضریب مشخص نیست. به این دلیل و به دلیل مناسب بودن تفسیر واکنشهای میانگین متحرک از لحاظ واحدهای انحراف معیار، تمامی متغیرها را قبل از تحلیل، یک شکل کرده ایم. مقادیر تغییرات انحراف معیار برای هر متغیر در شبیه سازیها در پایین جداول متناظر ذکر شده است.

براساس روشهای سیمز (۱۹۸۰) برای تعیین اندازه تأخیر مناسب، چهار تأخیر هفتگی برای تمامی متغیرهای بردارهای خود همبستگی در تبهکاری، ایالات متحده-شوروی و اعراب-اسرائیل گنجانده ایم. پنج تأخیر از متغیرهای بردارهای خود همبستگی برای خدمات درمانی و آموزش محاسبه شده اند.^۸ برای تعیین اثرات تأخیرهای اضافی، حداکثر تا دوازده هفته آزمون حساسیت انجام شده است. طول تأخیر بیشتر، در نهایت، موجب تنزل احتمالات همراه با یافته های مورد نظر شده است، لکن روابط در تمامی موارد ثابت و هماهنگ است. اذعان می کنیم که گاهی اوقات واکنش کنگره به رییس جمهور یا رسانه ها از طریق استماع، بیش از چهار یا پنج هفته به طول می انجامد، لکن نتایج ذکر شده در ذیل برای کنگره طی تأخیرهای طولانی تر، تفاوت چشمگیری ندارد. باقیمانده های تحلیل نهایی غیر خود همبسته بوده و به صورت عادی توزیع شده اند.

تحلیل

نتایج تحلیلهای خود همبستگی برداری در زمینه توجه به موضوع برای رییس جمهور، رسانه‌ها و کنگره در این بخش ارایه می‌شود. ابتدا به بحث پیرامون دو موضوع سیاست خارجی می‌پردازیم و در پی آن، سه موضوع سیاست داخلی مطرح می‌شوند. این دو با یکدیگر متفاوتند، زیرا یک متغیر برونزا که تأخیر رخدادهای جهانی را بر توجه ریاست جمهوری، رسانه‌ها و کنگره مهار می‌کند، به صورت قرینه در تمامی معادلات وارد شده است. متغیر رویدادها، دارای ارتباط مثبت بوده و از لحاظ آماری در هر سیستم، حایز اهمیت بسیاری است. اما به دلیل آن که توجه عمده ما به آزمونها و شبیه‌سازیهای گرانجر معطوف است، نتایج متغیرهای رویدادها یاسایر ضریبهای ارزیابی ارایه نمی‌شود.

۱۳۱

موضوعات سیاست خارجی

جدول شماره ۱ و نمودارهای ۵ و ۶، دربرگیرنده نتایج دو موضوع سیاست خارجی است. آمار جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که بانظارت بر رخدادهای سیاست خارجی، توجه ریاست جمهوری و کنگره به موضوعات سیاست خارجی به شدت ایستاست. منظور ما از ایستایی، آن است که توجه به موضوعات در زمان حال، با موضوعات مشابه آن در گذشته، ارتباطی مستحکم دارد. توجه رسانه‌ها به کشمکش اعراب-اسرائیل نیز ایستاست، اما شدت این امر در روابط ایالات متحده-شوروی کمتر است. این نتایج اولیه را می‌توان به عنوان نشان دهنده بستگی شدید توجه ریاست جمهوری، کنگره و رسانه‌ها با روندهای تاریخی و همچنین پیشرفت آشکار و مستمر رخدادهای جهانی تفسیر کرد.

با در نظر گرفتن روند تاریخی و نظارت بر رخدادهای، آیا روابط منظمی میان توجه ریاست جمهوری، رسانه‌ها و کنگره وجود دارد؟ ابتدا روابطی را که میان سریهای مربوطه وجود ندارد بررسی می‌کنیم. توجه ریاست جمهوری نسبت به موضوعات سیاست خارجی، بر توجه کنگره یا رسانه‌ها تأثیر قابل ملاحظه‌ای ندارد.

جدول شماره ۱، آزمونها گرانجر را ارایه می‌نماید، در حالی که نمودار ۵، واکنشهای

شبیه‌سازی شده میانگین متحرک برای توجه به روابط ایالات متحده-شوروی را نشان می‌دهد. متغیرهای موجود بر روی خط مورب نمودار شماره ۵، حاوی متغیرهای تکانه‌ای (Shocked variables) است، در حالی که منحنیهای بیرون از خط مورب، متغیرهای واکنشگر را ترسیم می‌کند. سومین گروه افقی جدول شماره ۱ از مرتبط بودن توجه ریاست جمهوری و کنگره نسبت به روابط ایالات متحده-شوروی خبر می‌دهد. با این وجود، چنین رابطه‌ای تنها دارای ۹ صدم ارزش P می‌باشد و واکنشهای میانگین متحرک در نمودار ۵، این تأثیر را ناچیز و در سمت نادرست نشان می‌دهد. دومین ستون نمودار ۵ آشکار می‌کند که یک تکانه مثبت انحراف معیار در توجه ریاست جمهوری نسبت به روابط ایالات متحده-شوروی، طی سه هفته، تغییر منفی ناچیزی در توجه کنگره به این موضوع ایجاد می‌کند.

همچنین، بر مبنای علت گرانش، توجه ریاست جمهوری، موجب توجه کنگره به کشمکش اعراب-اسرائیل نمی‌شود.^۹ دومین ستون نمودار ۶ نشان می‌دهد که تکانه مثبت یک انحراف معیار در توجه ریاست جمهوری به کشمکش اعراب-اسرائیل افزایش مهم اندکی را در توجه کنگره به این موضوع ایجاد می‌کند.

علاوه بر این، توجه ریاست جمهوری، دارای تأثیر ناچیزی بر دستور کار رسانه هاست. دومین گروه جدول شماره ۱، نشان می‌دهد که توجه ریاست جمهوری، باعث علت گرانش توجه رسانه‌ها نسبت به موضوع سیاست خارجی نمی‌شود. ستونهای میانی نمودارهای ۵ و ۶، مؤید آن است که تکانه یک انحراف معیار در توجه ریاست جمهوری، تغییر قابل تشخیص اندکی را در توجه رسانه‌ها به موضوعات ایجاد می‌کند. بنابراین، بعید است که توجه عمومی رییس جمهور به این دو موضوع سیاست خارجی، به طریقه‌ای منظم، توجه کنگره یا رسانه‌ها را دچار تغییر چشمگیری کند.

چنین نتایجی برای رییس جمهوری، در زمینه سیاست خارجی غیر منتظره و نامعقول است، زیرا این امر که رییس قوه مجریه، رهبر سیاست خارجی ایالات متحده است، کاملاً پذیرفته شده است. رییس جمهور در این صورت باید بر توجه سایر بازیگران حکمفرمایی کند، لکن براساس این تحلیل آماری، وی در خصوص روابط ایالات متحده-شوروی و کشمکش

اعراب-اسرائیل چنین نقشی را ایفا نمی کند.

برخلاف آن، تحلیل ما مؤید این بینش رایج است که در زمینه سیاست خارجی، کنگره نسبت به رییس جمهور، بازیگر کم اهمیت تری است. جدول شماره ۱، نشان می دهد که توجه کنگره، دارای علت گرانجر برای توجه بازیگر دیگری در زمینه سایر موضوعات نیست؛ همچنین ستونهای سوم نمودارهای ۵ و ۶ آشکار می کند که رسانه ها و رییس جمهور هیچ یک به تکانه مثبت یک انحراف معیار در توجه کنگره واکنش نشان نمی دهد. ظاهر رییس جمهور و رسانه ها نسبت به فعالیتهای کنگره در ارتباط با روابط ایالات متحده-شوروی یا کشمکش اعراب-اسرائیل بی توجهند.

۱۳۳

میان رییس جمهور، رسانه ها و کنگره در زمینه دو موضوع سیاست خارجی، چه روابطی وجود دارد؟ اولین گروه جدول شماره ۱ نشان می دهد که توجه رسانه ها موجب علل گرانجر توجه رییس جمهور به هر دو حوزه موضوعی می شود. اولین ستونهای نمودارهای ۵ و ۶، با از میان برداشتن پوششهای واکنشگری ریاست جمهوری طی زمان، این نتیجه را تأیید می کنند. با توجه به روابط ایالات متحده-شوروی، تکانه مثبت یک انحراف معیار در توجه رسانه ها، موجب افزایش قابل ملاحظه ۴۷ صدم انحراف معیار در توجه ریاست جمهوری می شود. این واکنش، فقط به یک هفته بعد از تغییر توجه رسانه ها محدود شده است.

با توجه به کشمکش اعراب-اسرائیل، تکانه مثبت یک انحراف معیار در توجه رسانه ها باعث افزایش اولیه ۲۷ صدم انحراف معیار در توجه ریاست جمهوری می شود. این امر، به دنبال واکنش مستمر در مقطع زمان با مجموع تغییر حدود ۳۹ صدم انحراف معیار در اولین و دومین هفته پس از تکانه به وجود می آید. بنابراین، شواهد آماری، حاکی از آن است که رییس جمهور در زمینه روابط ایالات متحده-شوروی و کشمکش اعراب-اسرائیل به شدت نسبت به رسانه ها واکنش پذیر است.

موضوعات سیاست داخلی

جدول شماره ۲ و نمودارهای ۷، ۸ و ۹، نتایج سه موضوع سیاست داخلی را نشان

می دهند. آمار آزمونی (Test Statistics) در جدول ۲ نشان می دهد که توجه ریاست جمهوری، رسانه ها و کنگره به موضوعات سیاست داخلی به شدت ایستا بوده، دچار روزمرگی (Inertial) است. مشاهده معادلات ریاست جمهوری در اولین گروه جدول ۲، نشانگر آن است که توجه ریاست جمهوری به تبهکاری، خدمات درمانی و آموزش در گذشته، میزان توجه فعلی وی را به این موضوعات تعیین می کند. معادله رسانه ها در دومین گروه جدول شماره ۲، به همین شکل نشان می دهد که میزان توجه رسانه ها به این موضوعات در گذشته بر توجه فعلی آنان تأثیر می گذارد. سرانجام، سومین گروه جدول ۲، نشان دهنده آن است که میزان توجه کنگره به این سه موضوع در گذشته، توجه فعلی کنگره به آنان را تعیین می کند. نتایج اولیه مذکور را چنین می توان تفسیر کرد که توجه هر سه بازیگر به شدت ایستا و مقید به حفظ منافع و سابقه تاریخی است.

آیا توجه ریاست جمهوری، رسانه ها و کنگره به مسایل سیاست داخلی با یکدیگر مرتبط است؟ یک بار دیگر به روابطی که میان آمار سربهای زمانی مربوطه وجود ندارد، توجه کنیم. اولین و دومین گروه جدول شماره ۲، نشان می دهند که توجه کنگره دارای علت گرانجر توجه رسانه ها یا ریاست جمهوری به هیچ یک از سه موضوع سیاست داخلی نیست. واکنشهای میانگین متحرک در نمودارهای ۷، ۸ و ۹ همواره نشان می دهند که تکانه مثبت در یک انحراف معیار توجه کنگره، در توجه رسانه ها یا ریاست جمهوری به این دو موضوع، تغییری اندک ایجاد کرده، یا هیچ تغییری ایجاد نمی کند.

همچنین با عنایت به رابطه موجود، کنگره به تمرکز رسانه ها بر تبهکاری و خدمات درمانی، حساس نبوده است. سومین گروه جدول ۲ نشان می دهد که رسانه ها موجب علت گرانجر توجه کنگره به این موضوعات نشده اند. اولین ستون نمودار ۷ و دومین ستون نمودار ۸، کمترین حساسیت کنگره نسبت به تکانه مثبت یک انحراف معیار در توجه رسانه ها به تبهکاری و خدمات درمانی را نشان می دهند.

میان رییس جمهور، رسانه ها و کنگره در زمینه سه موضوع سیاست داخلی، چه روابطی وجود دارد؟ روابط اساسی بین رییس جمهور و رسانه هاست، اما این روابط، برای هر یک از سه

موضوع، دارای تفاوتی بنیادی است. رییس جمهور در مورد تبهکاری بیش از دو موضوع سیاست خارجی که قبلاً بحث شد، به صورت واکنش پذیر عمل می کند. اولین گروه جدول شماره ۲، نشان می دهد که توجه رسانه ها به تبهکاری، موجب علل گرانجر توجه ریاست جمهوری می شود. اولین ستون نمودار ۷ نیز آشکار می کند که تکانه مثبت یک انحراف معیار در توجه رسانه ها به تبهکاری، باعث افزایش اولیه انحراف معیار در توجه ریاست جمهوری به میزان ۲۴ صدم می شود و طی چند هفته بعد، توجه ریاست جمهوری تنزل می یابد. جمع کل واکنش ریاست جمهوری، طی شش هفته، حدود ۵۴ صدم انحرافهای معیار است.

دومین گروه جدول شماره ۲ در سمت دیگر نشان می دهد که رییس جمهور موجب علت گرانجر توجه رسانه ها به تبهکاری نیست. ستون دوم نمودار ۷ نیز به همین نحو، تنها واکنش ضعیفی را از سوی رسانه هادر قبال افزایش توجه ریاست جمهوری آشکار می کند. بنابراین، شواهد چندانی در زمینه رابطه متقابل بین توجه ریاست جمهوری و رسانه ها پیرامون تبهکاری موجود نیست.

شواهد آماری در زمینه خدمات درمانی، کارفرمایی رییس جمهور را در این زمینه ترسیم می کند. به این معنا که رییس جمهور نسبت به رسانه ها یا کنگره واکنشی نشان نمی دهد، بلکه وی قویاً جهت توجه رسانه ها را تعیین کرده و چه بسا بر توجه کنگره نیز تأثیر می گذارد. اولین گروه جدول ۲ نشان می دهد توجه رسانه ها یا کنگره به خدمات درمانی، هیچ یک علل گرانجر توجه ریاست جمهوری را موجب نمی شوند. ستونهای دوم و سوم نمودار ۸، مؤید این ارزیابی است، زیرا تکانه های وارده بر توجه کنگره و رسانه ها تحرک چندان مهمی را در توجه ریاست جمهوری ایجاد نمی کند.

دومین گروه جدول شماره ۲ در سمت دیگر، آشکار می کند که توجه ریاست جمهوری باعث علل گرانجر توجه رسانه ها به مسایل خدمات درمانی می شود. اولین ستون نمودار ۸، رشد واکنش رسانه ها را ترسیم می کند؛ یک افزایش انحراف معیار در توجه ریاست جمهوری، موجب افزایش مقدماتی ۲۵ صدم انحراف معیار در توجه رسانه ها می شود و مجموع واکنشها

طی دو هفته، حدود ۴۳ صدم انحرافهای معیار می باشد.

همچنین، رییس جمهور می تواند بر توجه کنگره نسبت به مسایل خدمات درمانی تأثیر بگذارد، لکن شواهد آماری در این زمینه ضعیفترند. سومین گروه جدول شماره ۲، نشان می دهد که توجه ریاست جمهوری علت گرانجر توجه کنگره نمی باشد، اما اولین ستون نمودار ۸ از وجود تحرک مثبت و هماهنگی در توجه کنگره پس از افزایش توجه ریاست جمهوری، خبر می دهد. این تأثیر، نسبت به واکنشهای رسانه ها بسیار ضعیف است، اما شواهدی دال بر توانایی رییس جمهور برای تأثیر گذاری بر توجه کنگره در زمینه خدمات درمانی ارایه می کند. همچنین، گفتنی است که نتایج، در زمینه خدمات درمانی قویاً بر حسب حفظ هفته های انتخاباتی سال ۱۹۹۲ و رییس جمهوری کلینتون در نمونه مورد نظر تعیین شده اند. در صورت حذف مشاهدات مذکور، رابطه میان رییس جمهور، رسانه ها و کنگره، اصولاً تصادفی شده، موضوعات با روزمرگی هدایت می شوند.^{۱۰} این امر، نشانگر اهمیت فوق العاده ریاست جمهوری کلینتون، در جهت دهی به توجه رسانه ها و کنگره، نسبت به خدمات درمانی است.

سرانجام، به روابطی که در زمینه آموزش و جود دارد، توجه کنیم. آزمونهای گرانجر در ستون سوم جدول شماره ۲، میان توجه ریاست جمهوری و رسانه ها، رابطه متقابلی را نشان می دهد. رییس جمهور در تمام مدت، علاوه بر این که نسبت به توجه رسانه ها در مورد آموزش، واکنش نشان می دهد، موجب چنین توجهی نیز می شود. پویشهای این رابطه متقابل، به وسیله تغییر دادن نظم متغیر در شبیه سازیها قابل پی گیری است. اگر رییس جمهور را در ابتدای ترتیب بندی متغیرها قرار دهیم، اولین ستون نمودار ۹، حاکی از آن خواهد بود که تکانه یک انحراف معیار در توجه ریاست جمهوری، حدود ۳۴ صدم افزایش انحراف معیار در توجه رسانه ها در هفته متعاقب تکانه، ایجاد می کند. همچنین، کنگره به تغییر در کانون توجه ریاست جمهوری از طریق توجه مستمر توزیع شده در مقطع زمانی واکنش نشان می دهد. اما اگر رسانه ها را در ابتدای ترتیب بندی متغیرها قرار دهیم، تکانه یک انحراف معیار در توجه رسانه ها نیز باعث حدود ۳۴ صدم تغییر انحراف معیار در توجه ریاست جمهوری و ۱۸ صدم

تغییر در توجه کنگره می شود. استنتاج بیشتر از این ارزیابیهای نقطه ای (Point estimates) به لحاظ فنی نادرست است، زیرا بازخوران (Feedback) ناشی از همبستگی متقارن، مشکل تطبیق را ایجاد می کند.^{۱۱} با این وجود، مفهوم شهودی شبیه سازیها و آزمونهای گرانجر، رابطه ای است که در هر دو سمت جریان یافته، اهمیت آن در هر سمت، تقریباً مشابه است.

همچنین، باید به خاطر داشت که نفوذ ریاست جمهوری بر رسانه ها و کنگره، قویاً وابسته به چارچوب زمانی تحلیل است.^{۱۲} اگر فقط به سالهای زمامداری ریگان معطوف شویم، رسانه ها، دیگر علت گرانجر توجه ریاست جمهوری به آموزش نبوده و رییس جمهور نیز علت گرانجر توجه کنگره به سیاست آموزشی محسوب نمی شد؛ لکن توجه ریگان همچنان علت گرانجر توجه رسانه ها به مسئله آموزش را ایجاد می کرد. بوش و کلینتون هر دو به سیاست آموزشی علاقه مند بودند. (با وجود دیدگاههای متفاوت درباره نحوه بهبود آن) بنابراین، جای شگفتی نیست که آنان نسبت به گزارشهای رسانه ها پیرامون آموزش، از ریگان حساستر (و بنابراین واکنش پذیرتر) باشند. همچنین این امر، تعهد بیشتر آنان را به بهبود سیاست آموزشی و نیز تأثیر بیشترشان را بر توجه کنگره معنای بخشد.^{۱۳}

توجه ریگان به سیاست آموزشی عمدتاً نمادین بود. مرکز توجه او تأثیرگذاران بر گزارشهای رسانه ها جهت تقویت وجهه وی بود. هنگامی که نظر سنجی افکار عمومی در خصوص رییس جمهور نشان داد که عموم مردم به شدت با کاهش کمک دولت به آموزش مخالفند، مایکل دیور، در جهت تأکید ریگان بر آموزش، مجموعه سخنرانیهایی را ترتیب داد. همچنان که دیور بعداً با شرف ابراز داشت، بدون آن که هیچ تغییری در سیاستها ایجاد شود، موافقت عمومی با رییس جمهور در خصوص آموزش، «نوسان» (Flip-Flopped) پیدا کرد. (یاروسلاوسکی ۱۹۸۴) همچنان که در مورد سیاست خدمات درمانی مشاهده کردیم، هنگامی که رییس جمهور تلاش خاصی را برای پیشگامی انجام می دهد، امکان موفق شدن وی وجود دارد. (اگر چه در این مورد رییس جمهور به جای بدبینی، از لحن زورگویانه استفاده می کند.)

نتیجه گیری

یافته های ما در خصوص توانایی رییس جمهور برای تنظیم دستور کار کنگره و رسانه ها مختلطند. اغلب اوقات، حتی در عرصه سیاست خارجی، هر سه نسبت به مسایل و رخدادها واکنش نشان می دهند. این نتیجه گیری کلی، سازگار با آثار سایر نویسندگانی است (ادواردز ۱۹۸۹؛ جونز ۱۹۹۵-۱۹۹۴) که در زمینه توانایی رییس جمهور برای تسلط بر نظام سیاسی به شدت ابراز تردید می کردند.

نقش سکون و روزمرگی

۱۳۸

توجه رییس جمهور، کنگره و شبکه های تلویزیونی در وهله اول، به طور کلی توسط متولیان کارهای روزانه تعیین می شود. کاخ سفید و کنگره باید به دلیل امور روزمره (Routine) حکومت، نظیر بودجه بندی یا جلسات منظم و از پیش طراحی شده گروه هفت، به طیف وسیعی از موضوعات پردازند. همچنین آنان باید نسبت به تعهدات قبلی دولت، شامل مخارج استحقاقی (Entitlement Spending)، حمایت از حقوق مدنی و الزامات عهدنامه ها، پاسخگو باشند.

رسانه ها نیز به همین شکل، از قواعد یک گزارش خوب، برخوردارند. شاید تبهکاری - به دلیل حساسیت بالای جامعه انسانی به آن - موضوع باسابقه و شناخته شده سیاست رسانه ها باشد. تقریباً تمامی شهروندان در لحظاتی به ایمنی خویش، اعضای خانواده یادوستان علاقه مند بوده اند. به علاوه، از آنجا که گزارشهای موجود در مورد تبهکاری، در برگیرنده ارزشها و ضد ارزشهاست، توده مردم با سهولت بیشتری آن را درک می کنند. رسانه ها از انگیزه های نیرومندی برخوردارند تا با تمسک به توده مردم و مقامات منتخبی که طی انتخابات، به طور پیاپی با عموم روبه رو می شوند، مسئله تبهکاری را مستقل از رییس جمهور در دستور کار خویش قرار دهند.

رسانه ها پیرامون امور روزانه خود در مورد تعیین خبرنگار برای تهیه گزارش و خبر درباره موضوعات مختلف یا کشورها فعالیت می کنند و کنگره نیز برای سازماندهی جلسات

استماع، برنامه روزمره و جداول زمانی خاصی دارد. بنابراین، تغییر سریع این امور روزمره، در واکنش به رهبری ریاست جمهوری برای آنان دشوار است و نظام گروههای ذینفع نیز معمولاً تعهد به انجام امور روزمره متداول را تقویت می‌کند. با توجه به وجود نیروهای پرتوان طرفدار سکون و روزمرگی در دولت و این حقیقت که هر سه نهاد مذکور، در معرض نیروهای برونزاد و تصادفی و غیرقابل پیش‌بینی (عمدتاً رخدادهای) قرار دارند، فضای محدودی در دستور کار باقی می‌ماند. شبکه‌ها نیز تحت شرایط عادی، به خاطر مدت زمان برنامه‌های اخبار شبانه خویش، یعنی ۲۲ دقیقه برای هر شبکه در روز در قیدوبند قرار می‌گیرند. رییس‌جمهور در چنین شرایطی برای اعمال نفوذ بر سیاستهای دستور کار سایرین با پیکاری سخت روبه‌رو می‌شود.

طرق متنوع نفوذ

رییس‌جمهور، کنگره و رسانه‌ها حتی در مقابل نیروهای پرتوان امور روزانه و ساکن، در تنظیم دستور کار، تأثیر متقابلی را اعمال می‌کنند. شاید جالبترین جنبه یافته‌های ما تنوع طرقی است که موضوعات در آن روی می‌دهد. روابط یکطرفه‌ای در زمینه سیاست خارجی به چشم می‌خورد. رییس‌جمهور در هیچ‌یک از دو عرصه سیاست خارجی نمی‌تواند توجه رسانه‌ها یا کنگره را به موضوع جلب کند. در عوض، وی در مورد امور روزانه، رخدادهای رسانه‌ها و واکنش نشان می‌دهد. گرچه داده‌های مذکور این اجازه را نمی‌دهد که علت حساسیت رییس‌جمهور را نسبت به رسانه‌ها تعیین کنیم، لکن این یافته‌ها با نظریه پردازی ما در خصوص تأثیر رسانه‌ها بر افکار عمومی و انگیزه‌هایی که برای پرداختن رییس‌جمهور به موضوعات مطروحه در رسانه‌ها ایجاد می‌کنند، هماهنگ است.

رابطه‌ای متقابله‌تر در سیاست داخلی وجود دارد که ظاهراً برای تأثیرگذاری بر دستور کار، فرصت بیشتری در اختیار رییس‌جمهور قرار می‌دهد. رییس‌جمهور در برخی موارد از بین سه موضوع، در زمینه دو موضوع آموزش و خدمات درمانی بر توجه رسانه‌ها تأثیر می‌گذارد. ارتباط سومین موضوع، یعنی تبهکاری، تقریباً به سطوح معمول اهمیت آماری

رسید. بوش و کلینتون از لحاظ آماری بر توجه کنگره به مسئله آموزش، تأثیرات مهمی گذاشته‌اند. همچنین، نفوذ کلینتون بر توجه کنگره نسبت به خدمات درمانی، اهمیت آماری می‌یابد. رییس جمهور در عین حال، به توجه رسانه‌ها نسبت به تبهکاری و آموزش نیز واکنش نشان می‌دهد. با این وجود، رییس جمهور در هیچ موردی نسبت به کار کنگره واکنش نشان نداده است.

بنابراین، رؤسای جمهوری در اغلب اوقات، عکس العمل نشان داده، عمدتاً به نوسانات توجه رسانه‌ها در عرصه سیاست خارجی و در برابر رخدادهای جهانی، واکنش نشان می‌دهند. چنین وضعیتی، مورد انتظار است، زیرا رؤسای جمهوری از منابع مشخص و محدودی برخوردار بوده، مایل به اعمال نفوذ به عمق تمامی مسایل نیستند. با این وجود، وقتی سایر نهادها نسبت به موضوعی حساسیت نشان می‌دهند، آنان نیز مانند بازیگران ماهر، همواره مراقب و مترصد بوده، برای رفع مخاطره واکنش نشان می‌دهند.

با این وجود، شواهدی به دست آمد که نشان می‌دهد رییس جمهور توان آن را دارد که برای جلب توجه سایر ارگانها به شیوه‌ای کارفرمایانه اقدام نماید. اگر موضوعی، هم‌اکنون بخشی از گزارشهای جاری رسانه‌ها یا جلسات استماع کنگره نباشد، رییس جمهور توانایی تنظیم دستور کار شبکه‌ها و رسانه‌ها را خواهد داشت. کلینتون در اوایل دوران زمامداری خویش، برخلاف علایق دو رییس جمهور قبلی، موضوع خدمات درمانی را به مهمترین اولویت خود بدل کرد. رییس جمهور در آن دوره ضمن تأثیرگذاری بر توجه کنگره، قویاً نحوه توجه رسانه‌ها را نیز تعیین کرد. بوش و کلینتون در زمینه آموزش بر توجه کنگره تأثیر گذاردند و ریگان دستور کار رسانه‌ها را تحت تأثیر قرار داد.

بنابراین، رؤسای جمهوری، تحت شرایطی خاص و بویژه وقتی موضوع برای ایشان اهمیت می‌یابد، بایک ابتکار، توجه سایر نهادها را برانگیخته، مسایل را در دستور کار آنها می‌گنجانند. رؤسای جمهوری در این شرایط، به عنوان کارفرمایان موضوع عمل کرده، در واقع، توجه را در جایی که وجود ندارد، ایجاد می‌کنند.

کنگره هیچ نفوذی بر دستور کار رییس جمهور یا رسانه‌ها ندارد و دستور کار کنگره نیز

فقط تحت تأثیر رییس جمهور و در زمینه آموزش، تحت تأثیر رسانه ها قرار می گیرد. کنایه آمیز آن که کنگره به عنوان حساسترین بخش دولت در قبال محیط پیرامون ایجاد شده است، اما دستور کار آن حداقل در زمینه موضوعات مورد ارزیابی در پژوهش حاضر، کمترین تأثیر را از نفوذهای بیرونی می پذیرد.

رسانه ها برخلاف آن، از نقشی ویژه و مهم در تنظیم دستور کار برخوردارند. آنان در دو زمینه سیاستهای داخلی و خارجی بر دستور کار رییس جمهور تأثیر می گذارند. این نتایج، مؤید اطلاعاتی است که با دقت بیشتری به نفوذ رسانه ها بر دستور کار نهادینه متمرکز شده، به ضرورت بررسی بیشتر تأثیر رسانه ها اشاره می کنند. ارزیابی توانایی رییس جمهور برای تنظیم دستور کار کنگره و رسانه ها مهمترین مسئله مورد علاقه ما در این بررسی بود. گفتنی است که تأثیر کاخ سفید در زمینه موضوعات، در محدوده یک موضوع، طی گذشت زمان و در دوره یک رییس جمهور، متفاوت است. گرچه گام مهمی را به سوی درک تنظیم دستور کار نهادینه برداشته ایم، اما در آغاز راهیم. نیاز به کاوش طرق متنوع نفوذ در تنظیم دستور کار، برنامه کار پژوهشی ما را برای آینده تشکیل می دهد. □

ضمیمه

واژه‌های اصلی ذیل برای جستجوی آرشیو اخبار تلویزیون و اندریبلت مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این فهرست، در برگیرنده واژه‌ها و سالهای به کارگیری آنهاست. تمامی گزارشهایی که این واژه‌ها در آن وارد شده است، به حساب نیامده‌اند، بلکه پس از قرائت چکیده‌ها، متغیرها طوری کدگذاری شده‌اند که فقط گزارشهای مربوط به روابط ایالات متحده-شوروی، منازعه اعراب-اسرائیل، تبهکاری، خدمات درمانی یا آموزش، بخشی از واحد اندازه‌گیری باشند.

۱۴۲

سال	واژه‌های اصلی
۱۹۸۴-۹۰	ایالات متحده-شوروی اتحاد جماهیر شوروی (USSR)، شوروی، روسیه، مسکو، روابط ایالات متحده-اتحاد جماهیر شوروی، کنترل تسلیحات، اجلاس سران، تسلیحات هسته‌ای، چرنوبیل، گورباچف
۱۹۹۱	اتحاد جماهیر شوروی، شوروی، روسیه، مسکو، روابط ایالات متحده-اتحاد جماهیر شوروی، کنترل تسلیحات، اجلاس سران، تسلیحات هسته‌ای، گورباچف، یلتسین، جمهوری، مشترک المنافع
۱۹۹۲-۹۴	اتحاد جماهیر شوروی، شوروی، روسیه، مسکو، روابط ایالات متحده-اتحاد جماهیر شوروی، کنترل تسلیحات، اجلاس سران، تسلیحات هسته‌ای، گورباچف، یلتسین، تمامی ایالات شوروی سابق (لتونی، لیتوانی، استونی، آذربایجان، مغولستان، قزاقستان، تاجیکستان، مولداوی، روسیه سفید، ارمنستان، اوکراین، ازبکستان، ترکمنستان، قرقیزستان، گرجستان، کردستان)
۱۹۸۴-۹۴	اعراب-اسرائیل اسرائیل، بیت المقدس، تل‌آویو، سوریه، لبنان، اردن، مصر، سازمان آزادیبخش فلسطین (PLO)، عرفات، فلسطین، فلسطینی، اعراب-اسرائیل، تروریسم، انتفاضه، کرانه غربی، غزه، جولان، اشغالی
۱۹۸۴-۹۴	تبهکاری (باند‌های تبهکاران)، زندان (زندانیها)، قتل، مواد مخدر (فقط مخدرها)، عدالت، مجازات مرگ، محکومیت، اعدام

اسرائیل شناسی-امریکا شناسی

بهداشت و مراقبت، کمک دولت آمریکا برای پرداخت هزینه های خدمات درمانی
 درمان سالخورده‌گان (Medicare)، کمک دولت آمریکا برای پرداخت هزینه های درمان فقرا (Medicaid)، بهداشت و مراقبت
 ۱۹۸۴-۹۴ و اصلاح، دارو، پزشکان، بیماری، بهداشت

آموزش

آموز*، معل*، کالج، دانش آموز* ۱۹۸۴-۹۴

۱۴۳

توضیح: این علامت (*) به معنای کاراکتر جانشین (Wild Card) است.

واژه های اصلی راهنمای مدارک عمومی رییس جمهور در فهرست ذیل ارائه شده اند. برای اطمینان از توجه موارد گنجانده شده به روابط ایالات متحده-شوری، منازعه اعراب-اسرائیل، تبهکاری، خدمات درمانی و آموزش، تمامی اقلام مذکور در فهرست راهنما قرائت شده اند.

سال	واژه های اصلی
۱۹۸۴-۹۰	اتحاد جماهیر سوسیالیست شوروی (تمامی ایالات متحده- اتحاد جماهیر شوروی فهرست بندیهای همزمان)، تسلیحات هسته ای (تمامی فهرست بندیهای همزمان)، کنترل تسلیحات، افغانستان، هر اشاره ای به شوروی ها در سایر فهرست بندیهای راهنما (مانند خاورمیانه- نقش شوروی)
۱۹۹۱-۹۴	مانند موارد فوق، به استثنای افغانستان، و شامل: کشورهای مستقل مشترک المنافع (تمامی فهرست بندیهای همزمان)، استونی، لتونی، لیتوانی

اسرائیل شناسی- آمریکا شناسی

اسرائیل، اردن، سوریه، مصر، لبنان، خاورمیانه (با توجه به منازعه یا تروریسم)، تروریسم (با پرداختن به خاورمیانه)، تمامی عناوین فرعی مربوط به موضوع	اعراب-اسرائیل ۱۹۸۴-۹۴
اعمال قانون و تبهکاری، سوء استفاده از مواد مخدر و قاچاق، و تمامی عناوین فرعی مربوط به موضوع	تبهکاری ۱۹۸۴-۹۴
بهداشت و مراقبت پزشکی، بهداشت و خدمات انسانی، بیماریهای خاص و شرایط بهداشتی مربوطه و تمامی عناوین فرعی مربوط به موضوع	خدمات درمانی ۱۹۸۴-۹۴
آموزش، معلم، مدرسه	آموزش ۱۹۸۴-۹۴

واژه های اصلی شاخص خدمات اطلاعاتی کنگره در فهرست ذیل ارائه شده اند. برای اطمینان از توجه موارد گنجانده شده به روابط ایالات متحده- شوروی، کشمکش اعراب-اسرائیل، تبهکاری، خدمات درمانی و آموزش، تمامی اقلام مذکور در فهرست راهنما قرائت شده اند.

سال	واژه های اصلی
۱۹۸۴-۹۰	ایالات متحده- اتحاد جماهیر شوروی اتحاد جماهیر شوروی، روسیه، مسکو، تسلیحات
۱۹۹۱-۹۴	کنترل، پیمان ورشو، افغانستان و شوروی ها، اسامی تمامی جمهوریهای شوروی سابق
۱۹۸۴-۹۴	اسرائیل، بیت المقدس، سوریه، لبنان، اردن، مصر، سازمان آزادیبخش فلسطین، PLO، فلسطین، فلسطینی، اعراب-اسرائیل، خاورمیانه

تبهکاری، تبهکار، خشونت، باند تبهکاری، زندان، قتل، مواد مخدر (فقط مخدرها)، مجازات مرگ، محکومیت، اعدام

تبهکاری
۱۹۸۴-۹۴

بهداشت، مراقبت بهداشتی، کمک دولت آمریکا برای پرداخت هزینه های درمان سالخوردگان (Medicare)، کمک دولت آمریکا برای پرداخت هزینه های درمان فقرا (Medicaid)، دارو، دکتر، پزشک، پزشکی، بیماری، سرطان، ایدز، داروهای مخدر (بجز مخدرهای غیرمجاز)

خدمات درمانی
۱۹۸۴-۹۴

آموزش

آموز*، معل*، مدرسه*، دانشگاه*، کالج، دانش آموز*

۱۹۸۴-۹۴

توضیح: این علامت (*) به معنای کاراکتر جانشین است.

برای جستجوی مجموعه داده رخدادهای پاندا در محیط یک بانک اطلاعاتی (تحت محیط مایکروسافت) واژه های اصلی ذیل مورد استفاده قرار گرفته اند. اختصارات بر طبق کدها به کار گرفته شده اند که بر اساس اهداف، منابع و جایگاهها می باشند.

سال	واژه های اصلی
۱۹۸۴-۹۴	ایالات متحده - اتحاد جماهیر شوروی ارمنستان، آذربایجان، روسیه سفید، استونی، گرجستان، قزاقستان، کردستان، قرقیزستان، لتونی، لیتوانی، مولداوی، مغولستان، روسیه، تاجیکستان، ترکمنستان، اوکراین، اتحاد جماهیر شوروی (USSR)، ازبکستان
۱۹۸۴-۹۴	اسرائیل، اردن، فلسطین، سوریه، مصر، لبنان اعراب - اسرائیل

جدول شماره ۱- آزمونهای گرانجر برای توجه به موضوعات سیاست خارجی

متغیر وابسته	ایالات متحده-شوروی	اعراب-اسرائیل	قالب ضریب
توجه ریاست جمهوری	۵,۱۸ →	۲,۳۱	ریاست جمهوری
	(۰,۰۰)	(۰,۰۶)	رسانه ها
	۲,۷۹ →	۲,۷۸ →	کنگره
	(۰,۰۳)	(۰,۰۳)	
	۰,۶۳	۰,۶۲	
	(۰,۶۴)	(۰,۶۴)	
توجه رسانه ها	۱,۴۵	۱,۰۰	ریاست جمهوری
	(۰,۲۲)	(۰,۴۱)	رسانه ها
	۶,۶۲	۱۴,۸۱ →	کنگره
	(۰,۲۲)	(۰,۰۰)	
	۰,۲۳	۰,۳۴	
	(۰,۹۲)	(۰,۸۵)	
توجه کنگره	۲,۰۴	۰,۷۹	ریاست جمهوری
	(۰,۰۹)	(۰,۵۳)	رسانه ها
	۱,۲۵	۰,۳۰	کنگره
	(۰,۲۹)	(۰,۸۸)	
	۲۱,۰۱ →	۶,۶۸ ←	
	(۰,۰۰)	(۰,۰۰)	

۱۴۶

توضیح: اعداد جدول آمار F می باشند؛ اعداد داخل پرانتزها ارزشهای P هستند. فلشها نشانه روابط علی گرانجر از قالب ضرایب نمایش داده شده برای متغیر وابسته می باشند. هر دو بردار خود همبستگی محتوی چهار تأخیر است. رخدادهای در تأخیر صفر، به عنوان متغیر برونزا برای کنترل تأثیر قرینه رخدادهای گنجانده شده اند. تعداد ۵۱۴ مشاهده هفتگی در سریها وجود داشته است که از بیست و هفتمین هفته سال ۱۹۸۴ تا بیست و سومین هفته سال ۱۹۹۴ به طول می انجامد.

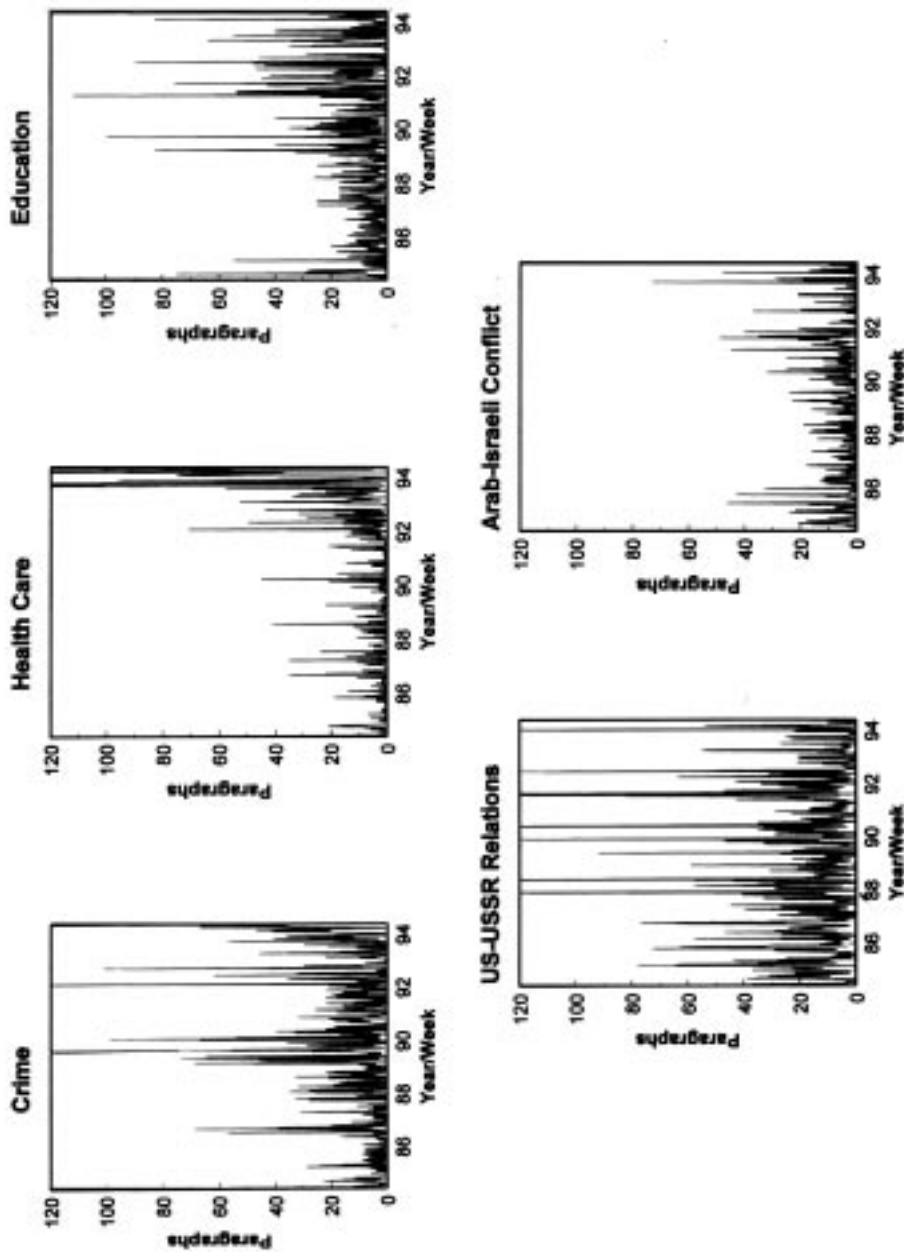
جدول شماره ۲- آزمونهای گرانجر برای توجه به موضوعات سیاست داخلی

قالب ضریب	آموزش	خدمات درمانی	آموزش
رییس جمهور	۲,۸۵ → (۰,۰۱)	۳۶,۹۲ → (۰,۰۰)	۳,۳۸ → (۰,۰۱)
رسانه ها	۲,۸۱ → (۰,۰۲)	۰,۸۰ (۰,۵۵)	۲,۵۳ → (۰,۰۴)
کنگره	۱,۴۸ (۰,۱۹)	۰,۳۶ (۰,۸۷)	۰,۹۹ (۰,۴۱)
رییس جمهور	۲,۴۰ → (۰,۰۴)	۴,۱۹ → (۰,۰۰)	۱,۷۸ (۰,۱۳)
رسانه ها	۳,۹۱ → (۰,۰۰)	۱۲,۱۰ → (۰,۰۰)	۱۴,۶۱ → (۰,۰۰)
کنگره	۱,۵۹ (۰,۱۶)	۱,۵۱ (۰,۱۹)	۰,۵۰ (۰,۷۴)
رییس جمهور	۳,۴۶ → (۰,۰۰)	۱,۷۶ (۰,۱۲)	۰,۹۶ (۰,۴۳)
رسانه ها	۲,۰۰ (۰,۰۸)	۰,۳۶ (۰,۸۸)	۰,۲۵ (۰,۹۱)
کنگره	۴۲,۴۳ → (۰,۰۰)	۲۵,۳۴ ← (۰,۰۰)	۳۴,۰۱ → (۰,۰۰)

۱۴۷

توضیح: اعداد جدول، آمار F می باشند؛ اعداد داخل پرانتزها ارزشهای P هستند. فلشها، نشانه روابط علی گرانجر از قالب ضرایب نمایش داده شده برای متغیر وابسته می باشند. بردار خود همبستگی برای تبهکاری، محتوی چهار تأخیر و برای خدمات درمانی و آموزش، محتوی پنج تأخیر است. تعداد ۵۱۴ مشاهده هفتگی در سریها وجود داشته است که از بیست و هفتمین هفته سال ۱۹۸۴ تا بیست و سومین هفته سال ۱۹۹۴ به طول می انجامد.

نمودار شماره ۱ - توجه ریاست جمهوری به موضوعات



۷۸۱

توضیح: هر نمودار، تعداد بندهای سخن پردازیهای ریاست جمهوری را برای هر حوزه موضوعی که به صورت هفتگی در مدارک عمومی رییس جمهور به ثبت رسیده است، ترسیم می کند. برای توضیح در خصوص پژوهش واژه های اصلی به ضمیمه بنگرید.

اسرائیل شناسی - امریکا شناسی

نمودار شماره ۲ - توجه رسانه ها به موضوعات

۱۴۹

توضیح: هر نمودار، دقائق پوشش شبکه تلویزیونی را به صورت شبانه برای هر حوزه موضوعی در هفته طبق گزارش آرشیوهای واندربیلت ترسیم می کند. برای اطلاع از توضیحات جستجوی واژه های اصلی، به ضمیمه بنگرید.

اسرائیل شناسی - امریکا شناسی

نمودار شماره ۳ - توجه کنگره به موضوعات

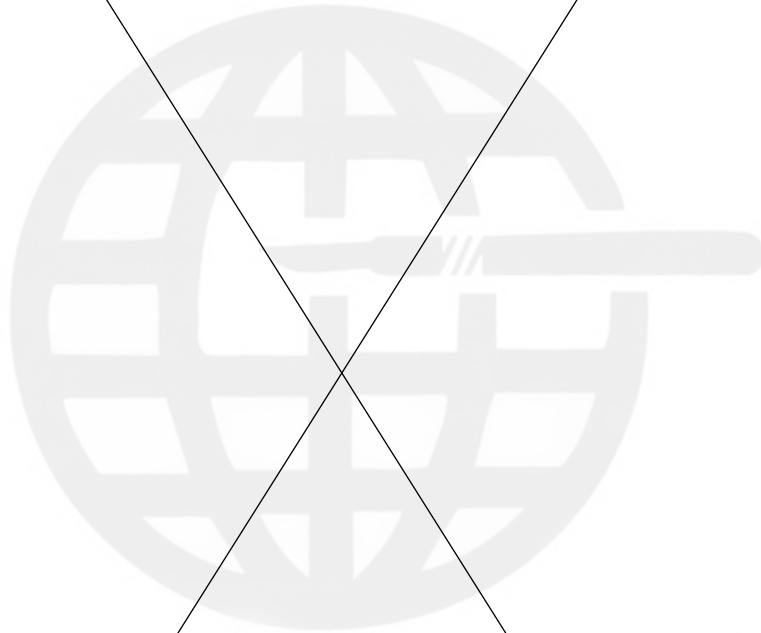
۱۵۰ |

توضیح: هر نمودار، روزهای استماع کنگره را در هفته برای هر حوزه موضوعی طبق شاخص خدمات اطلاعاتی کنگره ترسیم می‌کند. برای اطلاع از توضیحات جستجوی واژه‌های اصلی به ضمیمه بنگرید.

اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

نمودار شماره ۴ - رخدادهای سیاست خارجی

۱۵۱



توضیح: هر نمودار، شمارش رخدادها را در هفته طبق مجموعه داده‌های پاندا برای هر حوزه اطلاع از توضیحات جستجوی واژه‌های اصلی به ضمیمه بنگرید.

اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

نمودار شماره ۵- واکنشهای میانگین متحرک نسبت به مسایل ایالات متحده - شوروی

۱۵۲

توضیح: رسانه‌ها شامل پوشش شبانه اخبار شبکه تلویزیونی به دقیقه است. رییس جمهور، تعداد بندهای مدارک عمومی ریاست جمهوری را در هفته شامل می‌شود. کنگره روزهای استماع کنگره، را در هفته در بر می‌گیرد. هر نمودار، واکنش طی ده هفته را به تکرار ای در یک انحراف معیار ستون متغیر نشان می‌دهد. یک انحراف معیار، برابر با ۰۶، ۲۲، ۰۶ دقیقه برای رسانه‌ها، ۲۷، ۵۷ بند برای رییس جمهور و ۲ روز استماع برای کنگره است. خط چینها برابر با ۹۵ درصد حدود اطمینانند.

اسرائیل شناسی - امریکا شناسی

نمودار شماره ۶ - واکنش‌های میانگین متحرک نسبت به مسایل اعراب - اسرائیل

۱۵۳

توضیح: رسانه‌ها شامل پوشش شبانه اخبار شبکه تلویزیونی به دقیقه است. رییس جمهور، تعدادبند‌های مدار که عمومی ریاست جمهوری را در هفته شامل می‌شود. کنگره، روزهای استماع کنگره را در هفته در برمی‌گیرد. هر نمودار، واکنش طی ده هفته را به تکانه ای در یک انحراف معیار ستون متغیر نشان می‌دهد. یک انحراف معیار، برابر با ۲۱٫۶۵ دقیقه برای رسانه‌ها، ۱۰٫۵۳ بند برای رییس جمهور و ۰٫۶۴ روز استماع برای کنگره است. خط چینها برابر با ۹۵ درصد حدود اطمینانند.

اسرائیل شناسی - امریکا شناسی

نمودار شماره ۷- واکنشهای میانگین متحرک نسبت به مسئله تبهکاری

۱۵۴

توضیح: رسانه‌ها شامل دقایق پوشش شبانه اخبار تلویزیونی است. رییس جمهور، تعداد بندهای مدارک عمومی ریاست جمهوری را در هفته شامل می‌شود. کنگره، روزهای استماع کنگره را در هفته در بر می‌گیرد. هر نمودار، واکنش طی ده هفته را به تکانه‌ای در یک انحراف معیار ستون متغیر نشان می‌دهد. یک انحراف معیار، برابر با ۱۰/۴۲ دقیقه برای رسانه‌ها، ۲۷/۷۱ بند برای رییس جمهور و ۲/۲۴ روز استماع برای کنگره است. خط چینها، برابر با ۹۵ درصد حدود اطمینانند.

اسرائیل شناسی- امریکا شناسی

نمودار شماره ۸ - واکنشهای میانگین متحرک نسبت به موضوعات خدمات درمانی

۱۵۵

توضیح: رسانه‌ها، شامل دقائق پوشش شبانه اخبار تلویزیونی است. رییس جمهور، تعداد بندهای مدارک عمومی ریاست جمهوری را در هفته شامل می‌شود. کنگره، روزهای استماع کنگره را در هفته در بر می‌گیرد. هر نمودار، واکنش طی ده هفته را به تکانه ای در یک انحراف معیار ستون متغیر نشان می‌دهد. یک انحراف معیار، برابر با ۹ دقیقه برای رسانه‌ها، ۳۱،۲۱ بند برای رییس جمهور و ۳،۲۳ روز استماع برای کنگره است. خط چینها، برابر با ۹۵ درصد حدود اطمینانند.

اسرائیل شناسی - امریکا شناسی

نمودار شماره ۹ - واکنشهای میانگین متحرک نسبت به مسایل آموزش

۱۵۶

توضیح: رسانه ها، شامل دقایق پوشش شبانه اخبار تلویزیونی است. رییس جمهور، تعداد بندهای مدارک عمومی ریاست جمهوری را در هفته شامل می شود. کنگره، روزهای استماع کنگره را در هفته در بر می گیرد. هر نمودار، واکنش طی ده هفته را به تکرار ای در یک انحراف معیار ستون متغیر نشان می دهد. یک انحراف معیار، برابر با ۶,۹۵ دقیقه برای رسانه ها، ۷۵,۰۲ بند برای رییس جمهور و ۳,۰۷ روز استماع برای کنگره است. خط چینها، برابر با ۹۵ درصد حدود اطمینانند.

اسرائیل شناسی - امریکا شناسی

- Anderson, James E. 1978. *Public Policy and Politics in America*. North Scituate, MA: Duxbury.
- Baker, James A., III. 1995. *The Politics of Diplomacy*. New York: Putnam.
- Bartels, Larry M. 1993. "Messages Received: The Political Impact of Media Exposure." *American Political Science Review* 87 (June): 267-85.
- Baumgartner, Frank, and Bryan D. Jones. 1993. *Agendas and Instability in American Politics*. Chicago: University of Chicago Press.
- Bond, Jon R., and Richard Fleisher. 1990. *The President in the Legislative Arena*. Chicago: University of Chicago Press.
- Brody, Richard A. 1991. *Assessing the President*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Brown, R., J. Durbin, and J. Evans. 1975. "Techniques for Testing the Constancy of Regression Relationships over Time." *Journal of the Royal Statistical Society (Series B)* 37 (2): 149-63.
- Cobb, Roger W., and Charles D. Elder. 1972. *Participation in American Politics: The Dynamics of Agenda-Building*. Boston: Allyn and Bacon.
- Covington, Cary R., J. Mark Wrighton, and Rhonda Kinney. 1995. "A Presidency - Augmented Model of Presidential Success on House Roll Call Votes." *American Journal of Political Science* 39 (November): 1001-24.
- Cohen, Jeffrey E. 1995. "Presidential Rhetoric and Agenda Setting." *American Journal of Political Science* 39 (February): 87-107.
- Cook, Fay Lomax, Tom R. Tyler, E. G. Goetz, M.T. Gordon, D. Protes, D. Leff, and H.L. Molotch. 1983. "Media and Agenda-Setting: Effects on the Public, Interest Group Leaders, Policy Makers, and Policy." *Public Opinion Quarterly* 47 (Spring): 16-35.
- Dearing, James W., and Everett M. Rogers. 1996. *Agenda Setting*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Doan, Thomas A. 1996. RATS Manual, *Vector Autoregression*. Evanston, IL: Estima.
- Downs, Anthony. 1972. "Up and Down with Ecology: The Issue Attention Cycle." *Public Interest* 28:38-50.
- Edwards, George C., III. 1989. *At the Margins: Presidential Leadership of Congress*. New Haven, CT: Yale University Press.
- Edwards, George C., III, and Andrew Barrett. 1998. "Presidential Agenda Setting in Congress." Paper presented at the annual meeting of the *American Political Science Association*, Boston.
- Edwards, George C., III, Andrew Barrett, and Jeffrey Peake. 1997. "The Legislative Impact of Divided Government." *American Journal of Political Science* 41 (April): 545-63.
- Edwards, George C., III, and Stephen J. Wayne. 1999. *Presidential Leadership*. 5th ed. New York: St. Martin's.
- Flemming, Roy B., John Bohte, and B. Dan Wood. 1997. "One Voice among Many: The Supreme Court's Influence on Attention to Issues in the United States." *American Journal of Political Science* 41 (April): 545-63.

- States, 1947-1990." *American Journal of Political Science* 41 (October): 1224-50.
- Flemming, Roy B., B. Dan Wood, and John Bohte. 1995. "Attention to Issues in a System of Separated Powers: The Macro-Dynamics of American Policy Agendas." Working Paper, Texas A&M University.
- Freeman, John R., Paul Kellstedt, and John Williams. 1996. "Long Memoried processes, Unit Roots, and Causal Inference in Political Science." Paper presented at the annual Political Methodology Conference, Ann Arbor, Michigan.
- Freeman, John R., John T. Williams and Tse-min Lin. 1989. "Vector Autoregression and the Study of Politics." *American Journal of Political Science* 33 (November): 842-77.
- Gilberg, Sheldon, Chaim Eyal, Maxwell McCombs, and David Nicholas. 1980. "The State of the Union Address and the Press Agenda." *Journalism Quarterly* 57 (Winter): 584-8.
- Gonzenbach, William. 1996. *The Media, the President, and Public Opinion: A Longitudinal Analysis of the Drug Issue, 1984-1991*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Granger, C.W.J. 1969. "Investigating Causal Relations by Econometric Models and Cross-spectral Methods." *Econometrica* 37(August): 424-38.
- Granger, C. W.J., and Paul Newbold. 1986. *Forecasting Economic Time Series*. New York: Academic.
- Grossman, Michael B., and Martha J. Kumar. 1981. *Portraying the President*. Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press.
- Hamilton, James D. 1994. *Time Series Analysis*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Harvey, Andrew C. 1990. *The Econometric Analysis of Time Series*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Harvey, Andrew C., and P. Collier. 1977. "Testing for Functional Misspecification in Regression Analysis." *Journal of Econometrics* 6(July) : 103-19.
- Huntington, Samuel P. 1965. "Congressional Responses to the Twentieth Century." *In The Congress and America's Future*, ed.
- David B. Truman. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall. Pp 6-38.
- Iyengar, Shanto. 1991. *Is Anyone Responsible?* Chicago: University of Chicago Press.
- Iyengar, Shanto, Mark D. Peters, and Donald R. Kinder. 1982. "Experimental Demonstrations of the "Not-So-Minimal " Consequences of Television New Programs." *American Political Science Review* 76 (December): 848-58.
- Jaroslovsky, Rich. 1984. "Manipulating the Media Is a Specialty for the White House's Michael Deaver." *Wall Street Journal*, January 5, 1984, p. 44.
- Jones, Charles O. 1994. *The Presidency in a Separated System*. Washington, DC: Brookings Institution.
- Jones, Charles O. 1995. *Separate but Equal Branches: Congress and the Presidency*. Chatham, NJ: Chatham House.

- Judge, George G., W.E. Griffiths, R. Carter Hill, Helmit Lutkepohl, and Tsoung-Chao Lee. 1988. *Introduction to the Theory and Practice of Econometrics*. New York: Wiley.
- Kinder, Donald R. 1981. "Presidents, Prosperity, and Public Opinion." *Public Opinion Quarterly* 45 (Spring): 1-21.
- Kingdon, John, 1995. *Agendas, Alternatives, and Public Policies*. 2d ed. Boston: Little, Brown.
- Krosnick, Jon A. , and Laura A. Brannon 1993. "The Impact of the Gulf War on the Ingredients of Presidential Evaluations: Multidimensional Effects of Political Involvement." *American Political Science Review* 87 (December): 963-75.
- Krosnick, Jon A., and Donald R. Kinder. 1990. "Altering the Foundations of Support for the President through Priming." *American Political Science Review* 84 (June): 497-512.
- Light, Paul C. 1991. *The President's Agenda*. Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press.
- Linsky, Martin. 1986. *Impact: How the President Affects Federal Policymaking*. New York: W.W. Norton.
- Mackuen, Michael Bruce, and Steven Lane Coombs. 1981. *More than News*. Beverly Hills, CA: Sage.
- Maltese, John A. 1992. *Spin Control: The White House Office of Communications and the Management of Presidential News*. Chapel Hill: University of North Carolina Press.
- McCombs, Maxwell , and George Estrada. 1997. "The New Media and the Pictures in Our Heads." In *Do the Media Govern? Politicians, Voters, and Reporters in America*, ed. Shanto Iyengar and Richard Reeves. Thousand Oaks, CA: Sage.
- McCombs, Maxwell, Donald Shaw. 1993. "The Evolution of Agenda Setting Research: Twenty-Five Years in the Marketplace of Ideas." *Journal of Communication* 43 (Spring): 58-67.
- Moe, Ronald C., and Steven C. Teel. 1970. "Congress as a Policymaker: A Necessary Reappraisal." *Political Science Quarterly* 85 (September): 443-70.
- Morris, Dick. 1997. *Behind the Oval Office*. New York: Random House.
- Neustadt, Richard E. 1991. *Presidential Power and the Modern Presidents: The Politics of Leadership from Roosevelt to Reagan*. New York: Free Press.
- Ohanian, Lee E. 1988. "The Spurious Effects of Unit Roots on Vector Autoregressions: A Monte Carlo Study." *Journal of Econometrics* 39 (November): 251-66.
- Page, Benjamin I., and Robert Y. Shapiro. 1992. *The Rational Public*. Chicago: University of Chicago Press.
- Peters, B. Guy, and Brian W. Hogwood. 1985. "In Search of the Issue-Attention Cycle." *Journal of Politics* 47 (February): 238-53.
- Phillips, Peter C.B. 1992. "Simultaneous Equation Bias in Level VAR Estimation." *Econometric Theory* 8 (June): 307.
- Powell, Colin. 1995. *My American Journey*. New York: Ballentine.

- Protest, David L. and Maxwell McCombs, eds. 1991. *Agenda Setting: Readings on Media, Public Opinion, and Policymaking*. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Rogers, Everett M., and James W. Dearing. 1994. "Agenda- Setting Research: Where Has It Been, Where Is It Going?" In *Media Power in Politics*, 3d ed., ed. Doris A. Graber. Washington, Dc: CQ Press.
- Rozell, Mark J. 1992. *The Press and the Ford Presidency*. Ann Arbor: University of Michigan Press.
- Rozell, Mark J. 1996. *The Press and the Bush Presidency*. Westport, CT: Praeger.
- Runkle, David E. 1987. "Vector Autoregressions and Reality." *Journal of Business and Economic Statistics* 5 (October): 437-42.
- Schrodt, Philip A., and Deborah J. Gerner. 1994. "Validity Assessment of a Machine Coded Data Set for the Middle East, 1982-1992." *American Journal of Political Science* 38 (August): 825-54.
- Sims, Christopher A. 1980. "Macroeconomics and Reality." *Econometrica* 48 (January) ; 1-48.
- Sims, Christopher A. 1988. "Bayesian Skepticism on Unit Root Econometrics." *Journal of Economic Dynamics and Control* 12 (June/September): 463-74.
- Sims, Christopher A, James H. Stock, and Mark W. Watson. 1990. "Inference in Linear Time Series Models with Some Unit Roots." *Econometrica* 58 (January): 113-44.
- Sims, Christopher A, and Harald Uhlig. 1991. "Understanding Unit Rooters: A Helicopter Tour." *Econometrica* 59 (November): 1591-9.
- Walker, Jack L. 1977. "Setting the Agenda in the U.S. Senate: A Theory of Problem Selection." *British Journal of Political Science* 7 (October): 433-45.
- Wanta, Wayne, Mary Ann Stephenson, Judy Vanslyke Turk, and Maxwell E. McCombs. 1989. "How President's State of Union Talk Influenced News Media Agendas." *Journalism Quarterly* 66 (Autumn): 537-41.
- Winter, James P., and Chaim H. Eyal. 1981. "Agenda- Setting for the Civil Rights Issue." *Public Opinion Quarterly* 45 (Fall): 376-83.
- Wood, B. Dan, and Jeffrey S. Peake. 1998. "The Dynamics of Foreign Policy Agenda Setting." *American Political Science Review* 92 (March): 173-84.

پاورقی ها:

۱- برای بخشهای پس از فروپاشی شوروی، به روابط بین ایالات متحده و جمهوریهای تازه استقلال یافته شوروی می نگریم. همچنین در تحلیلهای مطروحه، آزمونهای تثبیت مدل با به کارگیری باقیمانده های برگشتی انجام شده است. (براون، دارین و اوانز ۱۹۷۵؛ هاروی و کولیر ۱۹۷۷) مدلهای برای دوموضوع سیاست خارجی ثابتند به این معنا که به خاطر سنجش، تغییری نمی کنند، اما بنابه دلایلی که در متن مطرح شده است، بی ثباتیهایی در موضوعات سیاست داخلی وجود دارد.

۲- فیلیپ شروت از دانشگاه کانزاس درلارنس، KEDS یاسیستم داده های رویدادهای کانزاس را ایجاد کرده است. شروت و گرنز (۱۹۹۴) برنامه را به صورت مبسوط توضیح می دهند. همچنین، آزمونهای سنجش اعتبار رخدادها را به زبان رایانه گزارش می کنند.

۳- تمامی رخدادهای پاندا به معنای مشخص آن کاملاً خارج از حیطه اختیارات ریاست جمهوری، واقع نمی شوند. رئیس جمهور می تواند با ابتکارات خود به شکل گیری وقایع کمک کند. به علاوه، برخی از رویدادهای پاندا از توجه ریاست جمهوری یا رسانه ها پیروی می کنند. رئیس جمهور و رسانه ها وقایعی مانند انتخابات، جلسات زمان بندی شده و نظایر آن را پیش بینی کرده، پیشاپیش توجه خویش را به آنان افزایش می دهند. مجزا کردن این تأثیرات بالقوه مختل کننده در صورت دسترسی به متن استفاده شده برای تنظیم داده های پاندا به لحاظ نظری امکان پذیر است. به دلیل فقدان دسترسی، صرفاً این تأثیرات بالقوه مختل کننده را با قید احتیاط، تأیید می کنیم.

۴- تجربه مشترک نوشته های بردار خودهمبستگی (اتورگرسون)، همواره آن بوده است که آمارهای سریهای زمانی نباید متفاوت باشند. (مثلاً دان ۳-۸، ۱۹۹۶؛ هاروی ۸۳، ۱۹۹۰؛ سیمز، استوک و واتسون ۱۹۹۰) با این وجود اخیراً پیشنهاد شده است که آزمونهای فرضیه بردار خود همبستگی با داده های یکپارچه شده در سطوح مختلف می تواند فرضیه منفی عدم وجود رابطه علی را نیز رد کند. (مثلاً فریمن، کیلستد و ویلیامز ۱۹۹۶؛ اوهانیان ۱۹۸۸؛ فیلیپس ۱۹۹۲) در مطالعه حاضر، به چندین دلیل، از روشهای متعارف حداقل مربعات معمولی خود همبستگی برداری (OLS - VAR) استفاده کرده ایم. اول آن که، برای به کارگیری این برآورد سنتی، دلیل منطقی آماری وجود دارد. (سیمز ۱۹۸۸؛ همچنین بنگرید به سیمز و اوهلینگ ۱۹۹۱) خاطر نشان می کند که به موجب فرضیات خاص بیزی (Bayesian assumptions) ارزشهای P در OLS - VAR برای بردار خودهمبستگی در سطوح مختلف بسیار مناسبند. به علاوه، رفتار کارکرد احتمال توسط آزمون ارزشهای آماری به خوبی تشریح شده است. (فریمن، کلسد و ویلیامز ۱۹۹۶) دوم آن که، ضربات بر مجموعه های یکپارچه شده افزایش یافته و زنجیره آمارهای سریهای زمانی برای همیشه باقی می ماند، اما تکانها در توجه به موضوع به دلیل فاصله کوتاه توجه و فضاهای محدود دستور کار بازیگران نهادی و رسانه ها، برای همیشه باقی ماندنی نیست. به علاوه، به علت آن که موضوعات خاص بررسی شده در این نوشتار هرگز در هیچ زمان واحدی تمامی فضای دستور کار را اشغال نخواهند کرد، توجه به موضوع نمی تواند دارای واریانس نامحدودی باشد.

۵- خطاهای معیار (Standard error) برای واکنشهای میانگین متحرک به وسیله روش ادغام مونت کارلو (مانند همیلتون ۴۰-۳۳۶، ۱۹۹۴) ایجاد شده است.

۶- پیش بینی تجزیه واریانس خطا، رویکرد دیگری در قبال آزمون برونزایی است. برای این مبحث، به جاج و دیگران ۵-۷۷۱، ۱۹۸۸ بنگرید. متغیرهای برونزایی ابتدا در ترتیب بندیها قرار گرفته اند، اما در صورت عدم وجود چنین متغیرهایی، ترتیب بندیهای چندگانه بررسی شده است.

۷- یک بردار خود همبستگی الگویی از شکل تقلیل یافته است. تمامی ضریبها برای متغیرهای زمان t در برابر زمان t-1 در برآورد برابر با صفر محاسبه شده اند. هنگام معکوس شدن فرایند به میانگین متحرک تمامی واکنشهای زمان t برابر با صفر در نظر گرفته شده اند. این ضریبها و واکنشها در واقع می تواند برابر با صفر نباشد بنابراین امکان از دست رفتن اطلاعات وجود دارد. این اطلاعات در ماتریس واریانس - کوواریانس ناپایداریها می باشد. تجزیه چولسکی، طریقه ای

برای تبدیل اطلاعات در واریانس- کوواریانس برای تشخیص ضریبها و واکنشهای لحظه ای است. مشکل بالقوه تجزیه چولسکی آن است که هنگام همبستگی باقیمانده های متقارن امکان متفاوت بودن واکنشها برحسب ترتیب بندی متغیرها وجود دارد. به این دلیل، درجایی که همبستگیهای متقارن غیر صفر بوده اند، نتایج را برحسب ترتیب بندیهای گوناگون بررسی کرده ایم. همبستگیهای متقارن بین باقیمانده معادله رسانه ها و رییس جمهور برابر با ۲۵ صدم برای تبهکاری، ۲۹ صدم برای خدمات درمانی، ۳۵ صدم برای آموزش، ۳۷ صدم برای کشمکش اعراب-اسرائیل و ۵۴ صدم برای روابط ایالات متحده- شوروی بوده اند. هیچ یک از سایر همبستگیهای دو متغیره، حجم قابل ملاحظه ای نداشتند.

۸- شیوه سیمز، (۱۹۸۰) مستلزم افزودن تأخیرها به نظام بردار همبستگی به صورت متوالی و آزمون اهمیت آماری هر تأخیر افزوده شده با به کارگیری آزمایش اصلاح شده F است. برای نظام خود همبستگی برداری، تأخیرها را از ۱ الی ۱۲ آزموده ایم و به اندازه های تأخیر که در فوق گزارش شده است، دست یافته ایم.

۹- همچنان که در بالا گفته شد، آزمون گرانجر روشی برای ارزیابی سمت گیری علیت میان مجموعه ای از متغیرهای آمار سریهای زمانی است. هنگامی گفته می شود یک متغیر دارای علت گرانجر با متغیر دیگری است که ارزشهای تأخیر دار پس از مهار کردن پیشینه متغیر وابسته، ارتباط قابل اهمیتی با متغیر وابسته داشته باشند. تحلیلگر، معمولاً هر دو سمت گیری ممکن از علیت را با استفاده از یک رویکرد آزمون F برای آزمون اهمیت مشترک تأخیرهای چندگانه ارزیابی می کند. برای بحث بیشتر در این مورد به گرانجر و نیوبولد (۶۰-۲۵۹، ۱۹۸۶) بنگرید.

۱۰- همچنین آزمونهای چو (Chow) را برای یافتن گسستگیهای ساختاری در توجه ریاست جمهوری، رسانه ها و کنگره بعد از نوامبر ۱۹۹۲، انجام داده ایم. با مهار سایر عوامل، به لحاظ آماری، افزایش قابل ملاحظه ای بعد از این تاریخ وجود داشت، اما هیچ تغییر مهمی از لحاظ آماری در میزان توجه کنگره به چشم نمی خورد. فقدان واکنش از سوی کنگره می تواند به تأخیرهای پیش از آغاز جلسات استماع کنگره مربوط باشد. نتایج آزمون چو، اثرات ضعیف از سوی رییس جمهور بر کنگره را برای بردارهای خود همبستگی بحث شده در فوق تأیید کرد.

۱۱- همبستگی متقارن بین رسانه ها و رییس جمهور حدود ۳۵ صدم است.

۱۲- ما بردارهای خود همبستگی را برای هر دولت جدا کرده ایم. آزمونهای چو بر مبنای باقیمانده های ناشی از رگرسیونهای جدا شده مؤید آن است که رگرسیونهای هر دولت متفاوت بوده اند.

۱۳- واکنش پذیری بیشتر دولتهای بوش و کلینتون به گزارشهای رسانه ها را در تحلیل شبیه سازی جداگانه و گزارش نشده ای تأیید کرده ایم. به دلیل محدودیت صفحات، نمودار حاصل از تحلیل فرعی، اضافه نشده است، لکن این نتایج، در صورت درخواست از مؤلفین، موجود است.